



زشت و زیبای آقازادگی
محمد عطریان فر



سیاست و ناسیاست
درباره کتاب جدید سیدمصطفی تاجزاده



میرا از اتهام
افسانه بایگان تبرئه شد



سنت شکنی

پس از ۴۴ سال یک جوان اهل تسنن به نام آرش زره استاندار کردستان شد



یادداشت روز

استمداد از دولت

برای رفع تبعیض‌ها و محرومیت‌ها در استان‌های کم‌برخوردار، باید به سوی عدالت سیاسی حرکت کرد



حامد منتظری
عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران

این نوشته استمداد از دولت چهاردهم برای حمایت از استان‌هایی است که به لحاظ سیاسی محروم‌تر از متوسط کشور نگاه داشته شده‌اند و مراد از عدالت سیاسی در آن، ایجاد شریایی در جامعه است که در آن همه افراد بتوانند به طور برابر از حقوق و فرصت‌ها بهره‌مند شوند.

این روزها که بحث نصب استانداران در همه محافل سیاسی استانی و وزارت کشور گرم است، برخی دوستان اغلب اصولگرا این‌گونه تحلیل می‌کنند که در استان‌های با رای بالای اصولگرایان استانداران باید از میان این جریان انتخاب شوند و در این استدلال، قرآنی اغلب فرصت‌طلبانه از دولت وفاق را نیز دستاویز خود می‌کنند و چنان حکومت‌های فدرال این استان‌ها را سهم خود می‌دانند. فرضیه‌ای که به نظر می‌رسد در صورت تحقق، پاشنه آشیل دولت مستقر خواهد بود، چنانچه تجربه تلخی از سال ۹۶ را نیز به خاطر می‌آورد که رها کردن گروهی اندک که برای خود حدمرزی ولو عبور از منافع ملی قائل نبودند چگونه توانست کشور را به بحران‌های جبران‌ناپذیر دچار کند و نتهتها وفاقی به همراه نداشت که مشکلاتی را برای دولت و ملت و نظام به همراه داشت.

شاید بد نباشد، خاطر نشان شود که در این چند استان که به لحاظ اقتصادی و امکانات برخوردار و به لحاظ رسانه‌ای با نفوذ و تاثیرگذار هستند حتی در زمان دولت اصلاحات یا اعتدال نیز نیروهای رادیکال بر مسند امور بوده‌اند و با تنگ‌نظری، اجازه رشد و بروز سایرین را نداده‌اند و به بسیاری از رشمند با نگاه‌های صرفاً سیاسی، بی‌مهری کرده‌اند. این روند در دولت سیزدهم نیز با حذف و راندن نیروها تشدید شده و همواره این استان‌ها به محرومیت سیاسی بیشتری دچار شده‌اند.

اما وفاق تنها شعار این دولت نبوده است و یکی از مهم‌ترین شعارهای آقای پزشکیان در انتخابات اخیر اجرای عدالت بود و واضح است که اهمیت عدالت اجتماعی و سیاسی کمتر از عدالت اقتصادی نیست. در این شرایط اگر چاره کار در استان‌های محروم اقتصادی، حمایت کمتر اقتصادی و جلوگیری از سرمایه‌گذاری در آنهاست به‌کارگیری نیروهای اصولگرا و بعضاً منتسب به قسمت تندر آنان در استان‌های محروم سیاسی نیز راهگشا خواهد بود و می‌تواند به رفع تبعیض‌های انباشته و حرکت به سوی عدالت سیاسی به معنایی که در ابتدا گفته شد، نویدبخش باشد. منطق حکم می‌کند برای جبران تبعیض‌های گذشته که منجر به نادیده گرفتن عموم مردم شده است، بیشترین سرمایه‌گذاری و حمایت در جاهایی صورت گیرد که به بیشترین محرومیت‌ها دچار هستند.

یادمان نرود که شدت مشکل‌آفرینی این جریان تدریجی به جایی رسید که بر حسب تشخیص درست نظام در سال جاری راه آنها سد شده و شرایطی پیدا شد تا دولت وفاق مستقر شود و حال که این قدم مثبت برداشته شده، اگر هسته‌های قدرت این تدریجی‌ها به حال خود رها شوند و امکان بازتوانی بیابند برخلاف آن تصمیم کلان منجر به تقویت آنان و به هم خوردن برنامه‌های دولت و نظام و برخلاف مصالح کلان کشور و مردم خواهد بود. شاید این گام از انتصابات دولت، نشانگر توفیق یا عدم توفیق در عمل به شعارهای دوره انتخابات باشد و تا حد زیادی مسیر تقویت یا خاموشی امیدهای جوان‌زده در عموم مردم را مشخص خواهد کرد.

حمله‌ی تروریستی الکترونیکی اسرائیل باعث انفجار هزاران پیجر نیروهای حزب الله لبنان و زخمی شدن حداقل سه هزار نفر شد

پیجرهای نفوذی

منابع و رسانه‌های غربی مدعی شدند در پیجرهای منفجر شده در لبنان مواد منفجره کار شده بود که اصالت آن مربوط به یک شرکت تابوانی-مجارستانی است



افک



گفتار روز

زشت‌وزیبای آقازادگی

درباره پدیده‌ی آقازادگی و مفهوم سیاسی آن



محمد عطریان‌فر
عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

آقای علی ربیعی که از دوستان بسیار خوب ما نیز هستند ۲۰ سال پیش در روند تحصیلات عالی خود، پژوهشی پیرامون موضوع فساد، ذیل عنوان «زندگی فساد، جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم» در دست تحقیق و تالیف داشتند. ظاهراً در آن پژوهش ارجمند که امکان انتشار نیز یافت به مقوله‌ای تحت عنوان «آقازادگی» و آسیب‌شناسی آن اشاره شده و از این تاریخ، گزاره «آقازاده‌ها» وارد فرهنگ سیاسی ایران شد.

اگرچه اصل پژوهش گام شایسته و ارزشمندی در فرآیند شناخت مقوله فساد و خاستگاه سیاسی آن بود اما بعضاً سوء برداشت‌ها و سوء تفاهم‌هایی نیز در معنای آقازادگی و فساد احتمالی پیرامون آن رخ داده است. نقد آقازادگی مطرود و آسیب‌شناسی آن در چالش فکری آقای ربیعی این بود که چهره‌هایی بدون داشتن هر گونه صلاحیت و شایستگی لازم از ظرفیت، نفوذ و قدرت پدر یا دیگر منسوبان سببی و نسبی خود به صورت نابه‌جا و خلاف عرف و قانون استفاده می‌کنند و از زربان رانت بالا می‌روند و به منافع یا مناصب دست پیدا می‌نمایند. مفهوم آقازادگی با این تعبیری که آقای ربیعی ارائه می‌کند قطعاً در هر فرهنگ سیاسی مشنوم و محکوم به شکست است و نزد هر انسان فهیم و دلبسته ملی مطرود و غیر قابل قبول است.

این بیماری نوعی سادیسم است که متأسفانه با هدف تخریب روان جامعه ذهن‌ها را مشوب می‌کند. بدیهی است تا به اصل مفهوم توجه نشود، نمی‌توان مسأله را به درستی درک کرد و مرز بی‌کفایتی برخی منسوبان با چهره‌های شایسته‌ای که نسبتی با مسئولان دارند را روشن کرد.

در رابطه با دولت آقای پزشکیان من هیچ عارضه آقازادگی از جنس مخرب و آلوده تاکنون مشاهده نکرده‌ام. اگر کسانی در مقام تضعیف رئیس‌جمهور، ابهام‌آفرینی می‌کنند برای آشفته کردن ذهنیت جامعه با طرح موضوع آقازادگی، سیاست تخریب را پیش می‌گیرند؛ به نظر نوعی فرافکتی می‌کنند تا از این رهگذر به دولت نوپای چهاردهم آسیب برسانند.

اینکه بگویم چرا در سفر آقای پزشکیان به عراق شخصیت موجه و توانمندی چون آقای حسن مجیدی منسوب ایشان حضور دارد، نقدی نیست که احتیاج به بیان داشته باشد، یا امر واقعی نیست که به حقیقتی لطمه وارد کرده باشد. خناسان به دنبال آسیب زدن به دولت وفای هستند.

دست بر قضا مقام رهبری در نصایح و توصیه‌هایی که از گذشته تا به حال به رؤسای جمهور دارند، فرموده بودند که رؤسای جمهور در حوزه ستاد شخصی خود و جایی که اطلاعات مهم و طبقه شده، وجود دارد و رئیس دولت باید به اطلاعات درست و کامل اشراف پیدا کند باید فردی را در کنار خود داشته باشد که مورد اعتماد باشد. من این قضیه را در دولت آقای هاشمی شاهد بودم. چهره برجسته و توانمندی مانند محسن هاشمی به‌عنوان یک شخصیت موجه، مطلع و کاردار در کنار پدرش بود که می‌توانست امنیت خاطر برای ایشان ایجاد کند.

در دولت آقای سیدمحمد خاتمی نیز برادر ایشان آقای مهندس سیدعلی خاتمی، مدیر شایسته و توانایی حضور داشت تا دست و بازو و چشم‌گوش ایشان باشد. این موضوع هم به لحاظ قانونی، امنیتی و مدیریتی موجه است هم از ناحیه توصیه‌هایی که رهبری داشتند.

آقای احمدی‌نژاد نیز در مقطعی که رئیس‌جمهور بود از برادر خود دعوت به کار کرد. آقای روحانی یا آقای رئیسی هم در رابطه با فعالیت‌های دولت، به‌خصوص ستاد شخصی خود از وجود برادر یا داماد، برادر داماد یا همسر خویش به‌مثابه همکار معتمد و مورد وثوق بهره می‌بردند. بسیار روشن است که عارضه آقازادگی که مورد نقد آقای ربیعی بود از این دست انتصابات در کنار مسئولان ارشد اداره کشور نیست. بنابراین اگر آقای پزشکیان، یا هر رئیس دولتی یا مقامات ذومرتب، کسانی را به‌عنوان چهره‌های مومن و مورد تایید، شخصیت‌هایی مانند داماد، یا پسر خود را در کنار خود همراه داشته باشند، نه‌تنها عارضه مشنوم آقازادگی نیست بلکه این حضور اطمینان بخش از سوی خیرخواهان توصیه می‌شود تا از وجود چهره‌های معتبر و معتمد برای پیشبرد کارها و کسب اطلاعات دقیق به احسن وجه استفاده کنند.

منبع: خبرآنلاین



سقوط انسانیت

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور: رخداد روز گذشته در لبنان، مایه شرمساری کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکایی‌هاست که از هیچ امکانی برای پیشبرد اهداف غیرانسانی خود فروگذار نمی‌کنند. اینکه از ابزارهایی که به شکل مرسوم برای ارتقای آسایش و رفاه حال بشر ساخته شده‌اند به‌عنوان ابزار ترور استفاده شود، گواه سقوط انسانیت و غلبه خوی جنایت‌پیشگی است.



در انتظار FATF

مصباحی‌مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با ایبنا: آقای پزشکیان خودشان عضو مجمع تشخیص مصلحت هستند و در جلسات حضور پیدا می‌کنند، از FATF دفاع خواهد کرد و مجمع هم آن را تصویب می‌کند. موضوع FATF در مجمع متوقف است و این توقف بررسی‌ها مربوط به امروز نیست. اتاق بازرگانی از ما گلایه دارد که چون FATF تصویب نشده، روند تجارت خارجی با مشکل مواجه است.



جراحی از سایه

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی: آقای پزشکیان! مردم قربانی ناترازی‌اند، نه عامل آن. ۳۰ درصد ارزش پول ملی به خاطر لیست سیاه FATF به جیب کاسیان تحریم می‌رود. دو برابر پول مازاد مصرف بنزین را نفت‌خواران می‌دزدند و حیف‌ومیل ردیف‌های بودجه، کمتر از کل یارانه ملت نیست. پس جراحی را از سایه شروع کن.

سنت‌شکنی

پس از ۴۴ سال، یک جوان اهل تسنن، استاندار کردستان شد

گروه سیاسی: روز گذشته خبری مبنی بر انتصاب استاندار کردستان منتشر شد که جوانی ۴۹ ساله، اهل تسنن و اصالتاً کرد است و آرش زرتن‌لهوئی نام دارد. اینکه فردی با این مشخصات استاندار کردستان شود در ۴۴ سال اخیر بی‌سابقه بوده و این را می‌توان در راستای عملی شدن یکی دیگر از وعده‌های مسعود پزشکیان دانست. این اولین بار نیست که یک اهل تسنن و کرد در دولت رئیس‌جمهور جا می‌گیرد. دو روز پیش هم عبدالکریم حسین‌زاده، نماینده مجلس دوازدهم از استغفای خود خبر داد زیرا به عنوان معاون رئیس‌جمهور منصوب شده است. البته آرش زرتن‌لهوئی هم سابقه نمایندگی در مجلس یازدهم و کمیسیون‌های اقتصادی نظیر برنامه و بودجه و تلفیق را دارد. او که دکترای اقتصاد بین‌الملل دارد، زمانی فرماندار جوانرود بود. از دیگر سوابق اجرایی لهوئی می‌توان به سرپرست جمعیت هلال‌احمر استان کرمانشاه، مدیرکل بودجه جمعیت هلال‌احمر، عضو شورای اسلامی شهر سنندج، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان کردستان، عضو شورای عالی هلال‌احمر و معاون امور اقتصادی استاندار کردستان نام برد.

آن‌طور که حسن رسولی، عضو جبهه اصلاحات ایران به سازندگی می‌گوید بر این باور است که رئیس‌جمهور شدن آقای دکتر و مینا قرار دادن گفت‌وگو برای امروز و فردای جمهوری اسلامی ایران یک فرصت بسیار گرانبه‌تر است. وی گفت: هم برای نظام جمهوری اسلامی ایران که امروز در عرصه کارآمدی با کاستی‌ها و بحران‌های گوناگونی از قبیل ناترازی‌ها در حوزه انرژی، اقتصادی و مالی با آن مواجه هست و هم فرصت عبور خوبی برای ۹۵ میلیون مردم این سرزمین نیز که رئیس‌جمهور شدن دکتر پزشکیان فصل جدیدی را برای آنها باز کرد. بنابراین می‌توان امیدوار بود که مردم با افق تازدای روبرو شده و امیدوار باشند که با استفاده از این فرصت از مشکلاتشان کاسته می‌شود. البته برای جامعه سیاسی کشور و احزاب به‌خصوص جریان اصلاحات نیز رئیس‌جمهور شدن آقای پزشکیان را یک فرصت ارزشمند می‌دانم.

این عضو جبهه اصلاحات با بیان اینکه تحسن استفاده از این فرصت ارزشمند برای هر سه ذی‌نفع یعنی جمهوری اسلامی ایران، آحاد جامعه و جامعه اصلاح‌طلب ذهنیتی را ایجاد می‌کند که آیا در تحقق این امید می‌توان اطمینان داشت یا خیر؟ افزود: هنوز از یاسد نبرده‌ایم که بیش از ۵۰ درصد مردم ناباورانه در این انتخابات شرکت نکرده بودند. پاسخ این سوال به نظر من در این بخش نهفته است که به هر میزانی که آقای دکتر پزشکیان و دولت انجام‌خواه او با جلب موافقت سایر نهادها و مراکز تصمیم‌گیر در کشور بیشتر بتوانند به وعده‌های داده شده به مردم عمل کنند، ضریب این امیدواری و حسن استفاده از این فرصت افزایش پیدا می‌کند. او در برنام‌های انتخاباتی‌اش به مردم قول داده بود که در هیات وزیران از زنان استفاده خواهد کرد. او قول داده بود که علاوه بر حضور زنان در هیات وزیران یعنی جمع ۱۵ نفره در جمع هیات دولت که فراتر از هیات وزیران هست نیز از زنان استفاده خواهد کرد، از جوانان استفاده خواهد کرد، از اقوام و مذاهب استفاده خواهد کرد. او قول داده بود که استاندار اهل سنت داشته باشد، سفیر اهل سنت داشته باشد، وزیر بلوچ، کرد و عرب داشته باشد. اینها قول‌هایی بود که آقای دکتر پزشکیان به مردم داده است.

به گفته رسولی، مرحله چیدمان دولت در سطح عالی به پایان رسیده و اکنون چیدمان میانه دولت مرکزی در جریان است. لذا انتصاب این دو استاندار (آرش زرتن‌لهوئی از جوانان اهل تسنن به عنوان استاندار کردستان و آقای بدالله رحمانی به عنوان استاندار کهگیلویه و بویراحمد)، مرحله سوم یعنی سازماندهی دولت در سطح استان‌ها در قالب تعیین نمایندگان آتی دولت کلید خورده است و برای اولین



آرش زرتن‌لهوئی

بار در کشور فردی استاندار کردستان شده است که هم به لحاظ قومی برخاسته از هم‌وطنان اصیل ایرانی‌الصلب کرد ماست و هم از مسلمانان اهل سنت است. وی اعتقاد دارد که چنین انتصابی امیدوارکننده است و می‌توانیم ضمن اینکه از آقای پزشکیان انتظار داریم که برای سایر مناطق قومی و مذهبی کشور مثل سیستان و بلوچستان و سایر نقاط قومی و مذهبی کشور هم از این سیاست استفاده کند، در سایر مناطق هم ما برای اولین بار در استان خوزستان یک استاندار عرب‌تبار داشته باشیم. وی ادامه داد: در کنار این اقدامات مثبتی که اشاره کردم از قبیل به‌کارگیری زنان، جوانان و اقوام... در بین وزرا و در بین اعضای هیات دولت و در بین معاونین وزرا و در استانداران، این اقدام امروز به صورت سمبلیک به نظر من نشان می‌دهد آن جمله‌ای که دکتر پزشکیان در برنامه‌های تبلیغاتی به زبان غیردیلماسی و بسیار ساده و صادقانه که برخاسته از شخصیت ذاتی و مذهبی و خانوادگی او که گفت من برای اجرای وعده‌هایم، گردنم را گرو می‌گذارم، من فکر می‌کنم با انتصاب این استاندار که البته من شخصاً ایشان را نمی‌شناسم ولی هم اینکه هم‌کرد است و هم اهل سنت به نظر من قابل تقدیر است. اقدام دولت آقای پزشکیان (از وزیر کشور، معاون اول رئیس‌جمهور، خود آقای دکتر پزشکیان) و همه اعضای دولت که چنین تصمیمی را گرفته به عنوان یک فردی از جامعه ایرانی با یک فرد اصلاح‌طلب سپاسگزاری می‌کنم.



حسن رسولی

حسن رسولی در ادامه این گفت‌وگو تأکید کرد به این باور رسیده که جمهوری اسلامی ایران به آن مرحله از رشد و توسعه سیاسی رسیده که بتواند برخی تنگ‌نظری‌ها را کنار بگذارد. مباحثی که در گذشته به شدن درگیر آن می‌شد و اجازه نمی‌دادند استاندار، وزیر و معاون رئیس‌جمهور از اهل سنت باشند را خوشبختانه پشت سر گذاشته است. به عقیده این فعال سیاسی، پیام امیدبخش با تأیید مسعود پزشکیان به جامعه تزریق شد. اینکه این بار نظام عزمش را جزم کرده تا از تمامی ظرفیت‌های کشور استفاده کند و این فرصت را نیز در

اختیار بقیه بگذارد تا در راه توسعه و رشد ایران تلاش کنند. گفتی است استانداران، روسای شوراهای تامین استان محل مأموریت خودشان هستند که از این طریق، تامین نظم و امنیت عمومی را در سطح راهبردی و سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری به عهده دارند. این شوراهای تامین بر خلاف تعریف اسمی، متفاوت با سایر مراجعی هستند که به صورت شورایی اداره می‌شوند. اعضای شورای تامین هر استان، نقطه نظرات مشورتی خود را ارائه می‌کنند و کسی که باید تصمیم بگیرد و سیاست‌گذاری کند، آقای استاندار است و نیازی به رأی اعضا در این شورا ندارد و هر تصمیمی که استاندار بگیرد، در حوزه وظایف شورای عالی امنیت ملی کشور و شورای تامین استان‌ها برای همه مقامات نظامی، انتظامی، قضایی، اطلاعاتی و امنیتی لازم‌الاجراست. به عبارتی در این مرجع، سازمان مدیریت و تصمیم‌گیری، ریاستی است.

در مجموع سیگنال‌های مثبتی از انتصاب این جوان اهل سنت دریافت شد. مثلاً رحیمی جهان‌آبادی از جمله نمایندگان اهل سنت مجلس یازدهم به خبرگزاری خبرآنلاین گفت: «پیام واضح این انتخاب این است که نظام جمهوری اسلامی و دولت پزشکیان اراده و نیت واقعی برای به‌کارگیری شایستگان ملت ایران دارند و صرف نظر از ویژگی‌های مذهبی و گرایش‌های سیاسی می‌خواهند، اعتماد به ملت و شایستگان ملت را در تمام ارکان حاکمیت داشته باشند.» رحیمی جهان‌آبادی که در این گفت‌وگو تأکید می‌کند در مجلس بارها در مورد استفاده از ظرفیت اقلیت‌های دینی نظیر ارمنه و مسیحیان گله کرده و در نهایت با اشاره به آگاهی پزشکیان از این درخواست‌ها و گله‌مندی‌ها، می‌گوید حرف جدیدی با رئیس‌جمهور ندارد چراکه پزشکیان قبلاً در فراکسیون مستقلین این موارد را گفته و شنیده است.

علاوه بر این، جمع‌بندی‌های نهایی توسط «اسکندر مومنی» وزیر کشور در حال انجام است و آن‌طور که تابناک روایت می‌کند، خبرهای رسیده از انتخاب استانداران استان‌های دیگر در روزها و هفته‌های آتی حکایت می‌کنند. از چهره‌های نام‌آشنایی که برای استانداری‌ها در دولت پزشکیان می‌توان نام برد به افرادی نظیر علیرضا رشیدیان برای استانداری تهران، جهان‌بخش خانجانی برای استانداری گیلان، رضا شیران‌خراسانی برای استانداری خراسان رضوی، عبدالحسین مقتدایی برای استانداری خوزستان، مهدی جمالی‌نژاد برای استانداری اصفهان، رضا رحمانی برای استانداری آذربایجان شرقی، جواد جهانگیرزاده برای استانداری آذربایجان غربی، فرهاد تجری برای استانداری کرمانشاه و غلامرضا کاتب برای استانداری سمنان اشاره کرد.

دیدگاه: گزارش خارجی

هم‌پیمانی انگلیس و فرانسه

چرا لندن به دنبال احیای پیمان دفاعی با پاریس است؟

در پی بروز نگرانی‌های تازه در اروپا پس از جنگ اوکراین، بریتانیا به دنبال توافق‌های دوجانبه تازه با شرکای کلیدی در این قاره است. دیپلماسی دفاعی همه‌گیر است و دولت جدید کارگر بریتانیا در خط مقدم این روند قرار دارد. به‌عنوان اولین گام، جان هیلی، وزیر دفاع انگلیس اعلام کرده، قصد دارد توافق‌نامه خانه لنکستر (Lancaster House Agreement) یک پیمان دفاعی که در سال ۲۰۱۰ بین بریتانیا و فرانسه امضا شد به منظور شناسایی افزایش تهدیدهای بازیگران متخاصم دوباره احیا کند. هیلی که در ماه ژوئیه و پس از پیروزی قاطع حزب کارگر در انتخابات در زمان نخست‌وزیری «کر استارمر» این سمت را بر عهده گرفت در این ماه با متحدانش در گروه تماس دفاعی اوکراین در آلمان ملاقات کرد. وی سفرش را زمانی مناسب برای بازیگری مجدد بر معاهده با فرانسه توصیف کرد و گفت که اطمینان دارد، فرانسوی‌ها می‌خواهند این میزان همکاری را بیشتر کنند. او گفت: «این فشار دقیقاً بیانگر همان چیزی است که ما قبل از انتخابات گفتیم، اینکه ما دولتی خواهیم بود که روابط بریتانیا با اروپا به‌ویژه با کشورهای پیشرو اروپایی را از سر می‌گیرد». استارمر بلافاصله پس از تصدی مسئولیت، گفت می‌خواهد رویکرد جدیدی در رابطه بریتانیا با اروپا ایجاد کند از جمله باز کردن یک پیمان امنیتی کاملاً جدید با اتحادیه اروپا.

بیانیه انگلیس و فرانسه که توسط دیوید کامرون، نخست‌وزیر محافظه‌کار وقت و نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور وقت فرانسه در سال ۲۰۱۰ (معروف به خانه لنکستر) امضا شد و کشور را متعهد به همکاری نزدیک‌تر بین نیروهای مسلح خود و توسعه تجهیزات نظامی کرد. به گفته مقام آگاه با این طرح‌ها همزمان با پانزدهمین سالگرد توافق به‌روزرسانی روی تشدید همکاری بین کشورها در پرتو جنگ اوکراین متمرکز خواهد شد. یکی از این مقام‌ها این طرح را بخشی از تلاش گسترده‌تر برای به رسمیت شناختن نقش تقویت شده دفاع در دیپلماسی همچنین تناسب با تنظیم مجدد مورد نظر استارمر در روابط اتحادیه اروپا توصیف کرد. یک دیپلمات فرانسوی آشنا به گفت‌وگوهای بیس دولت گفت: «ما از اولین تماس‌های خود با دولت استارمر بسیار خوشحالیم». نخست‌وزیر جدید بریتانیا از زمان انتخابش در کمتر از سه ماه پیش، سه دیدار دوجانبه با امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در واشنگتن‌دی‌سی، بریتانیا و فرانسه داشته است. رئیس‌جمهور فرانسه به استارمر گفت که مساله امنیت و دفاع ضروری است. این دیپلمات فرانسوی افزود: «ما معاهده خانه لنکستر را داریم باید آن را دوباره تقویت کنیم». به گفته همین مقامات، به‌طور جداگانه، یک تیم مذاکره‌کننده بریتانیایی این هفته وارد برلین شد تا بررسی جزئیات پیمان دوجانبه اعلام شده توسط استارمر و اولاف شولتس، صدراعظم آلمان در نشست اخیر ناتو را آغاز کند. به نظر می‌رسد که استارمر مشتاق پیشرفت با حضور امانوئل ماکرون و اولاف شولتس در قدرت است، درحالی که هر دو رهبر تحت فشار شدید داخلی ناشی از جنبش‌های فزاینده اروپا هستند. انتظار می‌رود تقویت همکاری در تولید موشک‌های دوربرد در اولویت مذاکرات باشد زیرا هم بریتانیا و هم آلمان مایلند، مفهوم افزایش هزینه‌های دفاعی را به‌عنوان منبع مشاغل جدید داخلی به رای دهندگان بفروشند. استارمر با سوالاتی در مورد استراتژی دیپلماتیک خود در داخل نیز مواجه است و برخی استدلال می‌کنند که اهداف و نامشخص است. یکی از مقامات دخیل در مذاکرات برگزیده گفت: «درحال حاضر این دولت کارگر حتی نمی‌تواند نامی که می‌خواهد در این پیمان امنیتی وارد کند را بیان کند». با این حال رویکرد نخست‌وزیر جدید لندن مورد استقبال کاخ سفید و جو بایدن قرار گرفته است.

پولیتیکو



واکنش آمریکا

کارین ژان پی‌یر، سخنگوی کاخ سفید در واکنش به اظهارات رئیس‌جمهوری ایران درباره احیای مذاکرات برجام گفت: ما بارها اعلام کرده‌ایم که دیپلماسی را به‌عنوان بهترین راه برای دستیابی به یک راه‌حل دائمی موثر برای برنامه هسته‌ای ایران در نظر می‌گیریم؛ با این حال، ما درحال حاضر از آن بسیار دور هستیم. او گفت، ما ایران را براساس عملکرد آن قضاوت می‌کنیم.



پیشنهاد پاشینیان

نخست‌وزیر ارمنستان و در پاسخ به اظهارات مقامات آذربایجان درخصوص گشایش راه‌های ارتباطی تاکید کرد، ایران آماده است تا تنها با همان شرایط ایران، عبور به جمهوری آذربایجان را فراهم کند. او گفت، زمانی که ما در مورد باز شدن ارتباطات منطقه‌ای صحبت می‌کردیم، واکنش آذربایجان این بود که «ارمنستان نمی‌خواهد، پس ما این پروژه‌ها را از طریق خاک ایران اجرا خواهیم کرد» اما می‌گویم که ما آماده هستیم.



لغو حق وتو

الکساندر استاب، رئیس‌جمهور فنلاند خواستار گسترش فعالیت شورای امنیت سازمان ملل، لغو حق وتوی یک کشور و تعلیق هر عضوی بوده که درگیر «جنگ غیرقانونی» است. وی پیشنهاد کرد، تعداد اعضای دائمی از ۵ عضو به ۱۰ عضو افزایش یابد که یک عضو دیگر از آمریکای لاتین، دو عضو از آفریقا و دو عضو از آسیا هستند. او می‌گوید، هیچ کشوری نباید در شورای امنیت حق وتو داشته باشد.

پیج‌های نفوذی

منابع و رسانه‌های غربی، دستگاه اطلاعاتی اسرائیل را عامل انفجار هزاران پیجر در لبنان اعلام کردند



دو منبع دیگر اعلام کرده که این مواد منفجره به وزن یک تا دو اونس در کنار باتری در هر پیجر جاسازی شده بود و یک سوئیچ هم تعبیه شده بود که می‌توانست از راه دور برای منفجر کردن مواد منفجره فعال شود.

کارشناسان مستقل امنیت سایبری که فیلم‌های این حملات را مطالعه کرده‌اند به این روزنامه آمریکایی گفته‌اند، واضح است که قدرت و سرعت انفجارها ناشی از نوعی مواد منفجره بوده است. در این خصوص میکو هیونسن، متخصص تحقیقات در شرکت نرم‌افزار WithSecure و مشاور جرائم سایبری یورپل به نیویورک‌تایمز گفته است که «این پیجرها احتمالاً به نحوی اصلاح شده‌اند تا این نوع انفجارها را ایجاد کنند و اندازه و قدرت انفجار نشان می‌دهد که فقط باتری نبوده است». این اطلاعات و آمار فنی درحالی منتشر شده که شرکت گلد آپولو اعلام کرده که پیجرها توسط شرکت KFT Security BAC مستقر در پایتخت مجارستان یعنی بوداپست ساخته شده‌اند. در این راستا، موضوع بسیار مهم این است که اساساً این حمله سایبری درحالی انجام شده که اسرائیل و دستگاه امنیتی آن، ایالات‌متحده به‌عنوان بزرگترین و اصلی‌ترین حامی خود را در جریان قرار نداده است. وبگاه آکسیوس در گزارش خود نوشته است: «زمانی که آموس هوکشتاین، مشاور ارشد بایدن روز دوشنبه به اسرائیل آمد، تانیا هو و یوآ گالات، وزیر جنگ اسرائیل و دیگر مقامات ارشد ساعت‌ها درگیر رایزنی‌های امنیتی پیرامون موضوع احتمال به خطر افتادن این عملیات بودند اما وقتی آنها با هوکشتاین ملاقات کردند حتی به او اشاره‌ای در مورد آنچه در پشت صحنه می‌گذرد، نکردند و به نوعی تمام عملیات را از او مخفی کردند». در گزارش آکسیوس همچنین آمده است که چند دقیقه قبل از شروع انفجار پیجرها در سراسر لبنان، وزیر جنگ اسرائیل با لوید آستین، وزیر دفاع ایالات‌متحده تماس گرفت و به او گفت که اسرائیل به زودی عملیاتی را در لبنان انجام خواهد داد اما از ارائه جزئیات دقیق خودداری کرد. یک مقام آمریکایی گفته است که اسرائیلی‌ها، جزئیات عملیات را به ایالات‌متحده نگفته‌اند اما افزود که تماس گالات تلاشی برای جلوگیری از نگر داشتن آمریکا در تاریکی کامل بود.

این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که تانیا هو و تیش در این خصوص نمی‌خواستند، مخالفتی از سوی واشنگتن را سر راه خود بینند. اما نکته آخر این است که این حمله سایبری دقیقاً در زمانی انجام شد که همه گمان می‌کردند، ارتش اسرائیل به زودی قرار است مرزهای جنوبی لبنان و شمال اراضی اشغالی را مورد هدف قرار دهد اما به نظر می‌رسد که آنها تلاش کردند از طریق این حمله سایبری کار خود را پیش ببرند؛ چراکه در شرایط فعلی تانیا هو سعی دارد، تنش را زنده نگه دارد و منتظر خروجی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در ماه نوامبر باشد.

که «ما حمله بی‌سابقه به لبنان و شهروندان آن که نقض فاحش حاکمیت این کشور است و یک چالش جدی برای قوانین بین‌المللی با استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف محسوب می‌شود را به شدت محکوم می‌کنیم. سایمون هریس، نخست‌وزیر ایرلند هم در اظهار نظر، انفجارهای لبنان را یک تحول فوق‌العاده نگران‌کننده توصیف کرد و گفت: «خاورمیانه باید شاهد تنش‌زدایی باشد، نه تشدید تنش». جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هم ابراز کرد که «این وضعیت را به شدت نگران‌کننده می‌دانم و فقط می‌توانم این حملات که امنیت و ثبات لبنان را به خطر می‌اندازد و خطر تشدید تنش در منطقه را افزایش می‌دهد، محکوم کنم». استفان دو جاریک، سخنگوی سازمان ملل هم این حملات را بسیار نگران‌کننده و ناقض صلح و امنیت پایدار در لبنان قلمداد کرد. علاوه بر این انگلیس، اتحادیه عرب و ... هم این حملات را محکوم کردند.

ماجرای چه بود؟

آنچه درخصوص این عملیات سایبری باید مورد نظر قرار بگیرد این است که قاطبه رسانه‌ها و منابع غربی و عربی بر این عقیده هستند که پشت این اقدام و انفجار پیجرها، اسرائیل و سازمان‌های اطلاعاتی آن قرار دارند. روبرتز به نقل از یک منبع بلندیایه امنیتی در لبنان و یک منبع دیگر در گزارشی آورده است که سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد) ماه‌ها قبل از انفجارهای روز سه‌شنبه، مواد منفجره‌ای را داخل ۵ هزار پیجر خریداری کرده توسط حزب‌الله، کار گذاشته بود. در گزارش روبرتز آمده که «به گفته یک منبع امنیتی لبنانی که نامش فاش نشده، پیجرهایی که حزب‌الله، سفارش خرید آنها را داده بود توسط یک شرکت تایوانی به نام «گلد آپولو» تهیه و به لبنان ارسال شده است». این منبع امنیتی ارشد لبنانی اعلام کرده که پیجرهای مذکور از مدل AP۹۲۴ است که مانند دستگاه‌های پیجر دیگر بوده که پیام‌های متنی را به صورت بی‌سیم دریافت و نمایش می‌دهد اما نمی‌تواند تماس تلفنی برقرار کند. این منبع ارشد لبنانی فاش کرد که این دستگاه‌ها «در مرحله تولید» توسط سرویس اطلاعاتی اسرائیل اصلاح شده‌اند و افزود: «موساد بردی را در دستگاه‌های حاوی ماده منفجره جاسازی کرد که رمزی دریافت می‌کند که کشف آن به هر وسیله‌ای حتی با استفاده از هر دستگاه یا اسکنر بسیار دشوار است».

برخی از رسانه‌ها هم اعلام کرده‌اند که نوع مواد مورد استفاده برای انفجار دستگاه‌های پیجر در لبنان، «پینتریت» که به اختصار PETN گفته می‌شود، نوعی ماده منفجره بسیار قوی و بسیار حساس به حساب می‌آید و سه هزار پیجر با دریافت پیام رمزگذاری شده که منجر به فعال شدن مواد منفجره به طور هم‌زمان شد، منفجر شدند. روزنامه نیویورک‌تایمز هم به نقل از

گروه بین‌المللی: عصر سه‌شنبه (۱۷ سپتامبر) منابع خبری در لبنان از انفجار چندین دستگاه پیجر در این کشور خبر دادند و پس از آن چندین ویدئو در فضای مجازی منتشر شد که مؤید همین موضوع بود. کمی بعد، مشخص شد که انفجار پیجرها به صورت متعدد رخ داد و در نهایت فراس‌الایض، وزیر بهداشت لبنان از کشته شدن ۹ نفر و زخمی شدن حدود ۲۸۰۰ نفر در انفجار پیجرها در این کشور خبر داد. وی همچنین اعلام کرد که جراحات ۲۰۰ نفر از مجروحان شدید است و یک دختر بچه هم در میان کشته‌ها وجود دارد. اما در آخرین به‌روزرسانی که از سوی وزارت بهداشت لبنان در این خصوص انجام شد، مشخص شد که تا عصر چهارشنبه ۱۲ تن کشته شده‌اند که از میان آنها ۲ تن کودک هستند. همچنین تعداد زخمی‌ها به ۳ هزار نفر رسیده و وزیر بهداشت لبنان اعلام کرده که تاکنون ۴۶۰ عمل جراحی برای مجروحان انجام شده که بیشتر آنها در ناحیه چشم بوده است. وی همچنین اذعان کرد که تاکنون ۲۰ پزشک و نیروی کادر درمان از عراق وارد فرودگاه بیروت شده‌اند و بیش از ۱۵ تن نیز کمک‌های بشردوستانه از سوی عراق به لبنان ارسال شده است. کمی بعد، حزب‌الله لبنان با صدور بیانیه اول خود اعلام کرد: «حدود ساعت ۱۵:۳۰ بعدازظهر سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴ تعدادی از دستگاه‌های دریافت پیام موسوم به «پیجر» در دست تعدادی از نیروهای واحد‌ها و موسسات مختلف حزب‌الله منفجر شدند که بر اثر آن تاکنون یک دختر بچه و ۲ رزمنده شهید و تعداد زیادی زخمی شدند. نهاد‌های ذی‌صلاح در حزب‌الله درحال حاضر درحال انجام تحقیقات گسترده امنیتی و علمی برای یافتن دلایل وقوع این انفجارهای هم‌زمان هستند و بخش خدمات پزشکی و بهداشتی نیز در تعدادی از بیمارستان‌های مناطق مختلف لبنان مشغول مداوای مجروحان هستند». حزب‌الله لبنان در این بیانیه به مردم لبنان خواست «مراقب شایعات و اخبار نادرست و گمراه‌کننده برخی احزاب در خدمت به جنگ روانی به نفع اسرائیل باشند به‌ویژه که این امر با سخنان ترسناک و تهدیدآمیز دشمن اسرائیل و آنچه آنها آن را تغییر وضعیت در شمال می‌خواند، همراه است». همچنین حزب‌الله لبنان در بیانیه دوم خود اعلام کرد که «دشمن جنایتکار به خاطر جنایت روز سه‌شنبه خود در لبنان تاوان سختی خواهد داد».

وزارت خارجه لبنان هم ساعاتی بعد حمله سایبری اسرائیل که منجر به انفجار شمار زیادی از دستگاه‌های ارتباطی شد به شدت محکوم کرد. از سوی دیگر نجیب میقاتی، نخست‌وزیر دولت موقت لبنان که در جریان جلسه کابینه از این حادثه مطلع شد از وزیر بهداشت خواست فوراً سرویس‌های وزارتخانه را برای پیگیری و درمان زخمی‌ها در آمادباش قرار دهد. میقاتی همچنین اسرائیل را عامل این اقدام دانست و پس از آن با سرویس‌های امنیتی لبنان جلسه‌ای را برای تحلیل وضعیت برگزار کرد. در این راستا، شبکه المنار گزارش داد سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان پنج‌شنبه ساعت ۵ عصر به وقت بیروت (۱۷:۳۰ تهران) درباره آخرین رویدادها سخنرانی خواهد کرد. به موازات این روند، وزارت خارجه لبنان در پی انفجار دستگاه‌های ارتباطی (پیجر) در این کشور اعلام کرد که به شورای امنیت سازمان ملل شکایت می‌کند. این وزارتخانه اعلام کرد، هم‌زمان با تهدیدهای گسترده اسرائیل برای گسترش دامنه جنگ با لبنان، تشدید این رفتارها و اقدامات خطرناک و عامدانه است. از منظری دیگر باید متوجه بود، اقدامی که در لبنان انجام شد از سوی جامعه ملل مورد انتقاد و محکومیت قرار گرفت. در این خصوص هاگان فیدان، وزیر خارجه ترکیه در تماس تلفنی با نخست‌وزیر دولت موقت لبنان ضمن ابراز همبستگی بر حمایت آنکارا از بیروت تاکید کرد. ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه هم اعلام کرد

دریچه: تحلیل عادات

در مسیر فرسودگی

عواقب برهم خوردن تعادل کار و زندگی



حسن محرابی
پژوهشگر

هر یک از ما مقدار ثابتی انرژی جهت انجام کارهای روزانه داریم. نحوه توزیع این انرژی بین اجزای اصلی زندگی‌مان (مانند کار، استراحت، خانواده و اوقات فراغت) بر تعادل کار و زندگی ما تأثیر می‌گذارد. اگر انرژی زیادی برای کار و انرژی کمی برای استراحت، خانواده و اوقات فراغت بگذاریم و اگر این کار را برای مدت طولانی انجام دهیم، زندگی‌مان آسیب خواهد دید زیرا سلامتی ما و خانواده و نیز روابطمان به صورت جدی آسیب می‌بیند. در این وضعیت ممکن است در مسیر فرسودگی شغلی که هیچ! در مسیر فروپاشی قرار بگیریم. به بیان دقیق‌تر با بروز مشکلات اقتصادی اغلب فکر می‌کنیم اگر بیشتر کار کنیم مشکلات اقتصادی کاهش می‌یابد، درحالی‌که با افراط در کار ممکن است مرگ خود را جلو بیاوریم!

برکسی پوشیده نیست که وقتی بیش از حد کار می‌کنیم، شدیداً خسته شده یا استرس داشته، در نهایت سلامتی ما آسیب می‌بیند. در حقیقت تعادل ضعیف میان کار و زندگی می‌تواند منجر به علائم مختلفی شود که بر سلامتی ما تأثیر می‌گذارد. این ضعف از سرماخوردگی‌های متعدد گرفته تا بیماری‌های جدی مانند سکته مغزی و مشکلات تنفسی را شامل می‌شود. مطالعه‌ای که توسط دانشگاه UCL روی بیش از ۱۰ هزار شرکت‌کننده انجام شد، مشخص کرد کارمندی که سه ساعت یا بیشتر از زمان مورد نیاز کار می‌کنند، ۶۰ درصد بیشتر از کسانی که اضافه کار نمی‌کنند، در معرض خطر ابتلا به مشکلات قلبی هستند.

البته افراط در کار در کشور ما به دلیل بروز مشکلات مالی برای خانواده‌هاست و این شیوه کار کردن فشار مضاعفی را بر فرد وارد می‌کند. زیرا او می‌اندیشد که کار اول که هیچ! کار دوم هم به تدریج می‌تواند با افزایش قیمت‌ها به هیچ! تبدیل شود و فرد ناگزیر از انجام کار سوم شود!! افراط در کار برای کسب درآمد منجر به این نکته می‌شود که جدا کردن کار از زندگی شخصی روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود. چک کردن ایمیل‌ها در تمام ساعات، گرفتن تماس‌های کاری سر میز شام و کار بر روی لپ‌تاپ در تعطیلات آخر هفته امری عادی است، یعنی جلوی چشم خانواده هم فقط جسم فرد حضور دارد اما روحش در فضای کار است. نکته جالب‌تر و شاید به تعبیر دقیق‌تر تاسف‌برانگیز! این است که چنین رفتاری از سوی افراد و در میان خانواده‌ها به‌عنوان یک امر قابل قبول پذیرفته شده است!

چنین وضعیتی منجر به احساس فشار بیشتر برای دستیابی به درآمد بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد این فشارها به نقطه شکست رسیده‌اند، زیرا مردم متوجه می‌شوند که کار، مشکل اقتصادی آنها را نمانده حل نمی‌کند، بلکه تعادل زندگی‌شان را نیز برهم می‌زند. باز هم باید از کلمه متأسفانه استفاده کرد و گفت، حتی برخی از کارفرمایان نیز با آگاهی از این فشار روانی نه تنها به کارکنان‌شان کمک نمی‌کنند، بلکه احساس آن‌ها را نیز نادیده می‌گیرند. درحالی‌که در چنین شرایطی برای یک بار هم می‌توان به جمله معروف بنی‌آدم اعضای یکدیگرند! توجه کرد. البته این مشکل در نقاط مختلف جهان وجود دارد اما به‌عنوان مثال، در کشور فرانسه قانونی وجود دارد به نام «حق قطع ارتباط» این قانون تضمین می‌کند که محدودیت‌هایی در میزان کار انجام شده در خارج از ساعات اداری وجود دارد. بر مبنای این قانون، باید تعادل و حریم خصوصی فرد در زمانی که آن‌ها فعالانه کار نمی‌کنند، محترم شمرده شوند. این قانون کاملاً در حمایت از افراد شاغل است. وقتی کار کردن و فعالیت مهم است، پس قطعاً استراحت و بازیابی توانایی و انرژی کارکردن هم ضرورت خواهد داشت. در نهایت باید افراد به تعادل بهتری در زندگی خود دست یابند اما سازمان‌ها و در نهایت دولت نیز لازم است برای تأمین آرامش کارکنانش با در نظر گرفتن حفظ سلامت افراد برنامه‌ریزی کنند. سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها به‌عنوان رهبران کسب‌وکار و فعالیت، مسئولیت دارند که به همه اعضای خود کمک کنند تا میان فعالیت‌های شغلی و زندگی شخصی آنها تعادل ایجاد شود.



مرمت آرامگاه قیصر

محمود شالویی، مشاور وزیر فرهنگ و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از اختصاص ردیف بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه کشور برای ترمیم و بازسازی مزار قیصر امین‌پور در شهرستان گنبد خبر داد و گفت: «با توجه به جایگاه و اهمیت این شاعر فقید و با عنایت به تأکید مقام معظم رهبری بر تکریم ایشان، مرمت و بهسازی آرامگاه او در دستور کار قرار گرفته است».



ضعف در معرفی حکمت

غلامرضا اغوانی: غرب دارای فلسفه است، ولی از حکمت جدا شده است. متأسفانه با وجود فرهنگ غنی حکمی، در جهانی کردن آن موفق نبودیم ما چطور می‌توانیم بر مبنای حکمت با اینها نوعی محاوره کنیم؟ الان کتاب‌هایی در مجامع علمی ما تدریس می‌شود اما در سطح و اندازه جهانی نیست. باید کمک کنیم تا تراث حکمی خودمان را بهتر بشناسیم و آن را جهانی کنیم.



راز ماندگاری شهریار

قربان ولئی: شعر بنیادش بر تجربه است و شعر عبارت است از سازماندهی زبان برای القای تجربه‌ای شخصی است. راز ماندگاری شاعران در تجربه زیسته آن‌هاست و استاد شهریار جزء شاعرانی است که به خوبی توانست از تجربه زیسته خود در ماندگاری‌اش استفاده کند. تجربه‌ای که بسیاری از شاعران فاقد آن هستند یا از آن غفلت می‌کنند. متأسفانه بسیاری از شاعران شعر عاشقانه می‌گویند اما عشق را تجربه نکرده‌اند.

سیاست و ناسیاست

انتشار کتاب سیاست چیست با ترجمه مصطفی تاج‌زاده

تلقی هر فرد از سیاست نه تنها بر پرسش‌های او، بلکه بر چارچوب نظری تحلیل‌ها و تا حدودی بر اقدامات سیاسی او تأثیرگذار خواهد بود. کتاب «سیاست چیست؟ کنش‌ورزی سیاسی و سیاست‌پژوهی» که مجموعه مقالاتی از استادان علوم سیاسی و حاصل جلسات اوایل دهه ۱۹۸۰ گروه علوم سیاسی دانشگاه یورک انگلستان است با این هدف گردآوری و تدوین شده که خوانندگان مبتدی و علاقه‌مند به مطالعه جدی علوم سیاسی را با تلقی‌های گوناگون موجود از واژه «سیاست» آشنا کند. این کتاب را که ویراست تازه‌اش با مدیریت و سرویراستاری آدریان لفت‌ویچ مدون شده، نشر نی به‌تازگی با ترجمه مصطفی تاج‌زاده و فروغ قلی‌پور منتشر کرده است.

«سیاست چیست» در واقع یک کتاب درسی جامع است که به ماهیت چندوجهی امر سیاسی می‌پردازد. این کتاب در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های اساسی در مورد ماهیت سیاست، دامنه عمل و اهمیت آن در جوامع بشری است. این کتاب برای ارائه مقدمه‌ای کامل برای مطالعات سیاسی طراحی و نوشته شده است که خوانندگانی را برای دانشجویان و هر کسی که علاقه‌مند به درک پویایی‌های سیاسی است، مفید است. کتاب با پرداختن به این سوال آغاز می‌شود که «سیاست چیست؟» و لفت‌ویچ که در دوران دانشجویی یک فعال سیاسی ضدآپارتاید بود و پس از مهاجرت به انگلستان در دانشگاه یورک و در دپارتمان علوم سیاسی مشغول به کار شد، در مقاله «اندیشه‌ورزی سیاسی: علوم سیاسی در سایه سیاست» تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی را درباره این پرسش بررسی کرده و در مقاله «رویکرد سیاسی به رفتار بشر: افراد، منابع و قدرت» تأکید می‌کند سیاست محدود به نهادهای دولتی نیست، بلکه ویژگی جهان‌شمول همه جوامع بشری است. نویسنده طیف گسترده‌ای از رویکردهای نظری به سیاست را ارائه می‌کند که هر یک منظری منحصر به فردی را ارائه می‌کنند و از طریق آن می‌توان فعالیت‌های سیاسی را درک کرد. بی‌گای پیتزر هم در مقاله «نسب ماهوی سیاست و حکمرانی» سیاست به‌مثابه حکومت سیاست را اساساً به‌عنوان فعالیت حکومتداری و اعمال قدرت می‌داند و بر ساختارها و فرآیندهای دولت و مدیریت عمومی تمرکز دارد. او در این مقاله انگاره‌های برخاسته از نهادگرایی نوین را بررسی کرده و معتقد است سیاست به معنای مجموعه فرآیندهای حاکمیت، عمدتاً همان سیاست سازمانی و نهادی است. به گفته او اگر چه تحرک و مشروعیت این سیاست سازمانی، دست‌کم در نظام‌های سیاسی دموکراتیک، از انتخابات نشأت می‌گیرد اما کشمکش‌های هر روزه بر سر سیاست‌ها در وهله نخست در سطح وزارتخانه‌ها، ادارات دولتی و شاید دادگاه‌ها نمود پیدا می‌کند. به اعتقاد پیتزر مسأله‌سازترین مولفه در تغییر ماهیت حکومت این است که دیگر نمی‌توان از پاسخ‌گویی حکومت تعریف دقیقی ارائه داد و در نتیجه این تغییرات کنش سیاسی غیرمتمرکزتر خواهد شد و نوع دیگر از مشارکت همگانی در سیاست را طلب خواهد کرد و می‌نویسد: «شهروندان برای آن‌که بتوانند فعالیت‌های واگذارشده حکومت، خصوصاً سازمان‌هایی که به آن‌ها سود می‌رسانند، را به‌نحوی موثر کنترل کنند، باید مشارکت فعال‌تری در فرآیند سیاسی داشته باشند و داده‌های خود را درخصوص خدماتی که به آن‌ها و خانواده‌های‌شان ارائه می‌شود ارتقا دهند. چنین موقعیتی در عین حال فرصتی تازه برای دموکراسی و چالشی در برابر شیوه‌های سنتی اعمال دموکراسی است».

پیتزی - نیکلسون در مقاله «سیاست و اعمال زو» به



بررسی نقش اجبار و زور در تعاملات سیاسی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه می‌توان از قدرت برای دستیابی به اهداف سیاسی استفاده کرد. به اعتقاد او زور در هر جامعه‌ای اعمال می‌شود تا کشمکش‌های خاصی را مرتفع سازد، قواعد خاصی را تجویز کند، از تصمیمات مشخصی پشتیبانی کند و ضامن اجرای سیاست‌هایی خاص باشد. توسل به زور و کنترل آن به دست عدای از افراد جامعه و اقدامات دیگران برای اثرگذاری بر استفاده این افراد از زور یا در دست گرفتن کنترل آن، فعالیت‌هایی انسانی‌اند که می‌توان مشخصاً آن‌ها را سیاسی دانست. جودیت اسکواپرز هم در مقاله «سیاست وای مرزها: چشم‌اندازی فمینیستی» رویکردهای فمینیستی به سیاست نظریه‌های سیاسی سنتی را به دلیل تعصبات جنسیتی مورد نقد قرار می‌دهد و اهمیت روابط جنسیتی را در تحلیل سیاسی برجسته می‌کند. به اعتقاد اسکواپرز فعالان و نظریه‌پردازان فمینیست از پیشگامان حرکت به سوی تعریفی گسترده‌تر از سیاست، به‌مثابه مطالعه قدرت، بوده‌اند. آن‌ها با اجتناب از مرکزیت میان قدرت سیاسی و تصمیمات سیاسی، از یک سو دیگر انواع قدرت و تصمیمات، از سوی دیگر، توانستند تلقی‌های قدرت‌محور اولیه سیاست را بسط دهند و متحول کنند.

الکس کالینیکوس در مقاله «مارکسیسم و سیاست» دیدگاه مارکسیستی از سیاست را به‌عنوان بازتابی از مبارزات



سیاست چیست

کنش‌ورزی سیاسی و سیاست‌پژوهی
آدریان لفت ویچ
ترجمه مصطفی تاج‌زاده و فروغ قلی‌پور
نشر نی / ۳۱۷ صفحه / ۲۸۰ هزار تومان



طبقه‌بندی و روابط اقتصادی مورد بحث قرار می‌دهد. این رویکرد بر قدرت سیاسی ماتریالیستی و نقش ایدئولوژی در حفظ نظم اجتماعی تأکید دارد. در نهایت کالینیکوس مارکسیسم را نوعی نظریه برچیدن سیاست می‌داند، چون مارکسیسم منادی و خواهان تحقق جامعه‌ای کمونیستی است که در آن نه طبقه‌ای وجود دارد و نه دولتی. به اعتقاد او تناقض بزرگ‌تر در این است که مارکسیسم با ابزارهای سیاسی در پی برچیدن سیاست است، چون پیش‌شرط تشکیل جامعه بی طبقه تسخیر قدرت سیاسی به دست طبقه کارگر است.

سلوی اسماعیل در مقاله «آیا تعریفی اسلامی از سیاست وجود دارد؟ به بررسی نسبت اسلام و سیاست می‌پردازد. به اعتقاد او ادعای بسیاری از محققان و مفسران مبنی بر جدایی‌ناپذیری دین و سیاست در اسلام، اعتبار خود را از دوران صدر اسلام می‌گیرد که حضرت محمد هم‌زمان با انتقال پیام الهی به اعراب، به تاسیس جامعه سیاسی هم همت گماشت. با این حال او معتقد است تعریف واحدی از سیاست اسلامی وجود ندارد. در مقالات بعدی کتاب، نویسندگان درباره چگونگی عملکرد سیاست در زمینه‌های مختلف بحث کرده و نقش نهادهای سیاسی مانند قوه مقننه، مجریه و قضائیه را در شکل دادن به سیاست و حکمرانی مورد بررسی قرار می‌دهند. بخش دیگری از کتاب به سیاست تطبیقی پرداخته است که یک تحلیل مقایسه‌ای از سیستم‌های سیاسی مختلف ارائه می‌دهد؛ مانند سیستم‌های فدرال و واحد، دموکراسی‌های ریاستی و پارلمانی و رژیم‌های استبدادی. قابل ذکر است که لفت‌ویچ و دیگر نویسندگان بر اهمیت دقت روش‌شناختی در مطالعه سیاست تأکید دارند و روش‌های پژوهشی مختلفی را که در علوم سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جمله روش‌های کیفی و کمی را مورد بررسی خود قرار داده‌اند.

از نکات قابل توجه انتشار ترجمه فارسی «سیاست چیست» این است که مصطفی تاج‌زاده در زندان اقدام به ترجمه بخش‌هایی از این کتاب کرده است. چند سال پیش هم محسن میردامادی در زندان دست به ترجمه کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» جیمز ای. رابینسون دارون عجم‌واغلو زده بود. ترجمه این کتاب که با همکاری محمدحسین نعیمی‌پور انجام شده بود با استقبال فراوانی مواجه شد، به‌گونه‌ای که به چاپ نوزدهم رسیده است. آیا ترجمه مشترک مصطفی تاج‌زاده و فروغ قلی‌پور هم از کتاب «سیاست چیست» با اقبال مشابه روبه‌رو خواهد شد؟

گزارش تئاتر

نمایش عروسی که ۴ میلیارد فروش کرد

مثلاً از بهمن ماه سال گذشته روی صحنه است

این جوانان مشهدهی که با مختصر اسباب و وسایلی و بدون هیچ چهره مشهوری به تهران آمده‌اند، تصور نمی‌کردند آنچنان مورد استقبال قرار بگیرند که به مدت بیش از ۶ ماه در این شهر ماندگار شوند اما تماشاگران تئاتر آنچنان مشتاق دیدن نمایش آنان شدند که برای خودشان هم غیرمنتظره بود.

نمایش «مثلاً» به کارگردانی قیس یساقی از اواخر اردیبهشت ماه در تئاتر «هامون» روی صحنه است. این نمایش به‌تازگی در کرمان نیز روی صحنه رفت و در این شهر نیز مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت. اجرای این نمایش نشان داد که برخلاف تصور رایج، نمایش عروسی بزرگسال می‌تواند مورد توجه تماشاگران قرار بگیرد.

از سوی دیگر، این نمایش نمونه خوبی از یک اجرای موفق و پرفروش است که بر چهره‌هایی مانند خوانندگان پاپ یا بازیگران شاخص تکیه نکرده و صرفاً با یک اجرای با کیفیت و خوب توانسته تماشاگر را به تماشای نمایشی بنشانند که سازندگانش تا پیش از این بی‌نام‌نشان بودند.

درحال حاضر این اثر نمایشی درحالی چهارمین دور از اجراهای خود را پشت سر می‌گذارد که با بیش از ۱۵۵ اجرا نه‌تنها باعث آشنایی بیشتر مخاطبان با تئاتر عروسی بزرگسال شده بلکه توانسته بدون بهره‌مندی از چهره‌های شاخص یا حمایت‌های دولتی یا غیردولتی به خوبی با سایر آثار روی صحنه رقابت کند به طوری که اکنون با امتیاز ۴.۶ و حدود ۴۵۰ رای ۱۴ هفته است که در صدر پرامتیازترین آثار روی صحنه (از نگاه مخاطبان تیوال) قرار دارد.

این کارگردان جوان تئاتر در پاسخ به اینکه چنین استقبالی را از نمایش خود پیش‌بینی می‌کرده است، گفت: منطقی بود که اجرای ما در کرمان بعد از اجراهای تهران باشد. به همین دلیل تاریخ دوری را انتخاب کردیم چون مطمئن بودیم که اجرایمان تا آن زمان به پایان رسیده است اما خوشبختانه استقبال آنچنان خوب بود که از ۲۵ شهریور هم دوباره اجرایمان را در تهران از سر گرفتیم و حالا تا ۱۳ مهر قطعاً در تالار هامون روی صحنه خواهیم بود. ضمن اینکه نمایش ما از یکم تا سوم مهرماه سه اجرای ویژه در سانس ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه دارد.

یساقی درباره اجرای این نمایش در کرمان گفت: به واسطه یکی از دوستان‌مان که اجرای ما را در تهران دیده بود به دوستی در کرمان معرفی شدیم و ایشان تهیه‌کنندگی نمایش را بر عهده گرفت. در واقع اجرای ما به صورت شخصی در کرمان روی صحنه رفت و از سوی بخش دولتی دعوتی صورت نگرفته بود.

این کارگردان تئاتر که نمایش خود را در تالار معلم کرمان روی صحنه برده با ابراز خوشنودی از استقبال تماشاگران کرمانی از نمایشش افزود: قبلاً نمایش را در مشهد که شهر خودمان است، اجرا کرده بودیم ولی انتظار چنین استقبالی را در کرمان نداشتیم. ۵ روز در کرمان بودیم و روزی سه نوبت اجرا داشتیم.

یساقی درباره اجرای این نمایش در شهرهای دیگر نیز گفت: از اجرای تئاتر در شهرهای دیگر استقبال می‌کنیم. گفت‌وگوهای هم در این زمینه داشته‌ایم اما هنوز قطعی نشده است. «مثلاً» همچنین با کسب ۸ عنوان مختلف از جشنواره‌های بین‌المللی، هم موفق به جلب نظر متخصصان شده و هم موفق به میزبانی از ۱۷۰۰۰ تماشاگر و فروش بیش از دو میلیارد تومان شده است.

این نمایش تا سیزدهم مهرماه روی صحنه است و در روزهای یکم تا سوم مهر یک نوبت اجرای ویژه در سانس ۱۹ و ۳۰ دقیقه خواهد داشت. درحال حاضر این نمایش هر شب ساعت ۱۸ به مدت ۴۰ دقیقه روی صحنه است.

افسانه بایگان تبرئه شد



علی شریف‌زاده‌اردکانی، حقوق‌دان و یکی از وکلای افسانه بایگان از تبرئه موکل خود در دادگاه شعبه ۵۷ تجدیدنظر استان تهران خبر داد. در بخشی از حکم صادره دادگاه تجدیدنظر درخصوص پرونده افسانه بایگان، آمده: «نظر به اینکه قرار دادن عکس‌های خصوصی در صفحات شخصی شبکه‌های مجازی به معنی انتشار نبوده و قابلیت دسترسی برای عموم را ندارد و هیچ‌گونه تولید و ارسال و توزیع داده‌های مبتدلی صورت نگرفته، بنابراین از شمول مقررات قانون جرائم رایانه‌ای خارج بوده و اینکه، وفق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در تحقق جرائم عمدی، علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم باید قصد او در نتیجه ارتکاب رفتار مجرمانه نیز احراز شود. همچنین مقام قضائی در ادامه این بخش رای صادره، تصریح کرده: «با توجه به اظهارات و دفاعیات وکلای متهم، قصد مشارالیه‌ها نیز در تحقق نتیجه جرم یاد شده، احراز نگردیده و وقوع بزه به طور جدی مورد تردید و شبهه است. افسانه بایگان پیش از این بنا بر عنوان اتهامی «انتشار تصاویر مبتذل» به پرداخت مبلغ دوونیم میلیون تومان جزای نقدی، جایگزین و بدل از ۹۱ روز حبس تعزیری به‌عنوان مجازات اصلی و همچنین به ۱۸ ماه ممنوعیت از هرگونه فعالیت در فضای مجازی و منع خروج از کشور به‌عنوان مجازات تکمیلی محکوم شده بود.

بن بست زنانه

نگاهی به نمایش بی‌پایانی



نیلوفر ثانی منتقد

نمایشی به نام «بی‌پایانی» که منتشر را خود نوشته در سالن سایه مجموعه تئاتر شهر با داستانی درباره زنان و با حضور بازیگران مطرح و چهره به صحنه آمده است. متن در یک دیدار دوستانه بین سه دوست قدیمی می‌گذرد که قرار است از پس شرایط بغرنجی که غافلگیرانه رو می‌شود، عبور کنند. سایه با بازی الهام شعبانی که فال قهوه، ورق و تاروت می‌گیرد و مقدمات ازدواج ماندانا را با شوهر پولدار فعلی‌اش فراهم کرده و یک سالی است از طرف او طرد شده به منزل او دعوت شده تا به همراه دوست مشترک دیگرشان، کدورت‌ها را کنار گذاشته و آشتی کنند اما به مرور معلوم می‌شود که مانی دچار اضطرابی از اوقع‌های است که زندگی‌اش را درگون می‌کند و دعوتش در حقیقت، نقشه‌ای برای خلاصی از آن وضعیت بوده است.

نیمه اول اجرا با دُز بالای کم‌دی و تکه‌پیرانی‌های طنزی که در اغلب شبکه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد، اوقات مفرح و خنده‌آوری را برای تماشاگر رقم می‌زند. بازی همیشگی و تیبیکال الهام شعبانی که به نظر می‌رسد به دلیل همین تثبیت تیپ و نقش، انتخاب می‌شود، چیز تازه‌ای ندارد و تکرار همان اکت و اغراق و کم‌دی است.



یکی از پرتکرارترین سوژه‌هایی که این سال‌ها بر صحنه تئاتر می‌بینیم که به‌ویژه فضایی ایرانی نیز دارد، روابط خانوادگی یا دوستانه‌ای است که با کشف رازی، یا فاش واقعیتی پنهان شده در یک وضعیت بحرانی قرار گرفته و منطبق بر آن زمان و مکان، درام پیش می‌رود. اغلب جریان نمایش خطی است و زنال پرداخت می‌شود.

سوژه‌ای که اغلب دم‌دست نویسندگان قرار دارد و با نگاهی به دوروبر خود به تعداد فراوانی قابل رؤیت و استفاده است. آن هم در جامعه‌ای مملو از معضلات ریزودرشت. از بیماری و فوت و فقر و اعتیاد و مهاجرت گرفته تا دوره‌می‌های زوج‌ها و دوستان. انتخاب این دست سوژه‌ها تا جایی می‌تواند کارکرد و جذابیت داشته باشد که بتواند با اجراهای پیش از خود، متفاوت بوده و با نوآوری و حرف تازه و تجربه نویی ارائه دهد یا حداقل فرمی را بسازد که محتوای ارائه شده از زوایای دیگری قابل بحث و بررسی باشد.

صرف قصه‌گویی یک اتفاق، آن هم با در دسترس قرار داشتن شبکه‌های اجتماعی که رکن اصلی‌شان براساس استایل زندگی، روزمرگی‌ها و اشتراک‌های اتفاقات زیستی افراد است و آنقدر مخاطب را اشباع کرده که چندان میلی به شنیدن قصه‌های دیگر ندارد به تنهایی کافی نیست و اگر قرار است داستانی از این دست روایت شود، نیازمند ایجاد کنش یا حرکتی در ذهن تماشاگر است. هر چند مدیوم تئاتر با ویژگی‌های اجرایی زنده و نفس‌به‌نفس تماشاگر بودن، بدون شک از قدرت دیگری برخوردار است؛ با این حال تکرار مکررات یک موضوع و پرداخت مشابه از تاثیرگذاری آن می‌کاهد. به ویژه اگر همانند نسخه‌های متعدد سینمایی و تئاتری از موقعیتی کمیک و طنز به یک‌باره با هجوم سیلی از بدبختی‌ها و مصیبت‌ها وارد یک فاز ناله و فریاد و قتل و جنایت شود.

صحرا فتحی که در کارنامه هنری‌اش بیشتر با زوج سابق خود مهدی کوشکی فعالیت‌هایی چون بازیگری، مجری پروژه و کارگردانی را بر عهده داشته در دو سه کار اخیر خود به طور مستقل به هدایت و اجرا پرداخته است و این بار در

اما در نیمه نمایش به سمت موقعیت دردناک و تراژیک می‌رود که فریادها، اشک و آه‌ناله و اطلاعاتی از روابط و گذشته آنان، آنقدر انفجاری و هیستری رو می‌شود که گمان هر نوع ارتباط و تجانس را با کمی ابتدایی و داستان دورهمی محو می‌کند و اساساً از جنس دیگری می‌شود چنانکه به نظر می‌رسد دو قصه و دو اجرای کاملاً مجزایی را شاهد بوده‌ایم. به‌عنوان مثال به رابطه قبلی مانی و سیاوش، برادر سایه که فوت کرده است، اشاراتی می‌شود اما در ادامه معلوم می‌شود، آنان زن و شوهر بوده‌اند. این بی‌ریزی ناقص و قطره‌چکانی داده‌ها که تماشاگر را دچار اختلال در ردیابی ارتباط‌ها و شناخت کارکترها می‌کند، اجازه درک موقعیت موجود را به درستی نمی‌دهد. بیشتر اطلاعات در بخش پایانی نمایش و از زبان سایه به تماشاگر داده می‌شود که اساساً آنقدر دیر است که دیگر تاثیری به‌جز همان فوران اشک‌واندوه ندارد.

در نهایت به نظر می‌رسد، دوره چنین متن‌هایی گذشته و دیگر نمی‌تواند کارکردی از واگویی معضلات زنان در جامعه ارائه دهد و ارتباط مناسبی با تماشاگری که نیازمند طرح و اجرای نویی از نمایش صحنه‌ای است، برقرار کند. زنی که ادعا می‌کند با فالگیری روی پای خودش ایستاده و به هیچ مردی تکیه نکرده است تا پیرمرد پولداری را در مهمانی می‌بیند برای دوست خود لقمه می‌گیرد و به‌رغم ناراضی‌دوستش از این ازدواج با مردی که بددل است و او را در سلطه خود درآورده، مدام توصیه می‌کند که به زندگی‌ات بی‌جسب که رفاه و ثروت به کفایت دارد. متن در یک بلاتکلیفی عمیق دست‌وپا می‌زند. از طرفی می‌خواهد مدافع حقوق زنان باشد اما از طرفی دیگر دست به دامان توصیه‌های خاله‌خانجایی‌ها و نگاه سنتی برای ازدواج و شوهر و ثروت می‌شود. از طرفی دیگر، زنان را به استقلال زندگی تشویق می‌کند و بعد هویت آنان را بدون مرد، سست و خدشه‌دار می‌داند. چنین عدم انسجامی به نظر می‌رسد ناشی از گیر کردن در فضای بینابینی از مدرنیته و سنت است که بیشتر شعاری و توخالی از آب در می‌آید و نه‌تنها قدمی تاثیرگذار برای زنان نیست بلکه واپس‌گرایی به همان سیطره مردسالاری است.

بی‌پایانی با وجود طراحی صحنه و نورپردازی و بازیگران حرفه‌ای، مشکلات عمده‌ای در متن دارد که تنها با گره‌هایی که در نهایت قرار است با فداکاری مادرانه گشوده شود، می‌خواهد حرفی زنانه بزند. هر چند موفق نمی‌شود.

شناسه آگهی ۱۷۹۰۳۶۴

اصلاحیه

پرو چاب آگهی فراخوان شناسایی (ارزیابی کیفی) شماره ۱۴۰۳/۱۵۷-۰۱ شرکت توزیع نیروی برق غرب مازندران مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۸، تاریخ اخذ مدارک مربوط به ارزیابی کیفی از چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۶/۲۸ به چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۶/۲۸، تاریخ آخرین مهلت بارگذاری اسناد تا ساعت ۸ صبح چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ به ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ و تاریخ انتشار نوبت دوم آگهی از یکشنبه ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ به اصلاح می‌گردد.

شرکت توزیع نیروی برق غرب مازندران

دریچه: تحلیل عادات

کابینه استراتژیک

نکاتی ناظر به کابینه‌ای که «مسعود پزشکیان» تشکیل داده است



سروش صفایی

قائم‌مقام سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی ایران

مسئله اصلاح و مطالبه تغییر در جامعه ایران از سال‌های میانی دهه ۷۰ به نوعی در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی مطرح شد. گروه‌ها و جریان‌های مختلفی از مسیرهای متعدد با فرازونشیب‌های فراوان در صدد اصلاح روندها و رویکردها برآمدند. تلاشی که طی سالیان متمادی با هدف توسعه سیاسی، حاکمیت قانون، نوسازی دولت، توانمندسازی جامعه استراتژی تغییر «فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا» را برای اصلاح امور در دستور کار خود قرار داد. روش ایجاد تغییر برای این گروه‌ها فشار مطالبه از سوی بدنه اجتماعی حامی نیروهای انتخابی و چانه‌زنی این نیروها در سطوح غیرانتخابی حاکمیت بود. این استراتژی تغییر به دلایل متعدد قابل بحث در مقاطع مختلف با شکست روبه‌رو شد. چه در فشار از پایین و چه در چانه‌زنی در بالا. شکست این استراتژی جریان اصلاحات که معنای واژه اصلاح را به عملکرد خود گره زده است، موجب ایجاد یأس عمومی و ظن تغییرناپذیری مطلق حاکمیت شده بود. گمانی که از رفتارهای زننده و رجزخوانی‌ها و عملکردهای نامیدکننده تدریجاً و سکوت حاکمیت اعتبار می‌گرفت.

به هر روی برای حل مسائل کشور و اصولاً شناخت و به رسمیت شناختن مسائل، مطالبه از موضع تقابل کارکرد خود را از دست داد و دینامیس تقابل باید با روشی دیگر جایگزین می‌شد. پس از فرازونشیب‌های فراوان در دوران دولت‌های پیشین به لحظه‌ای رسیده‌ایم که توافق و وفای بین نیروهای سیاسی اجتماعی و استقرار سیاسی کشور ایده اصلی رسیدگی به مسائل کشور و حل بحران‌هاست. اینکه این توافق از سراجباری یا میل به سهم بودن در قدرت انتخاب شده، یا ریشه در فهم عمیق از مسائل کشور دارد خود موضوع دیگری است که در جای خود می‌تواند موضوع بحث باشد اما استراتژی توافق چیست؟ مجموعه‌ای از اقدامات و رویکردهاست که با هدف ایجاد هماهنگی، همدلی و همکاری بین افراد یا گروه‌های مختلف در جامعه انجام می‌شود. رویکردی که افزایش بهره‌وری، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و کاهش تعارضات را در صورت ایجاد و صیانت از ارتباط موثر، احترام متقابل، همکاری و اعتماد در کنار رهبری موثر این فرآیند، در پی خواهد داشت.

از روزهایی اول به نظر می‌رسید دکتر پزشکیان با فهم درست از این موضوع که در صحنه سیاست ایران در پی رادیکال شدن فضا، غفلت از خواسته‌ها و دغدغه‌های به حق طرفین آسیب‌زا شده یا به عرصه گذاشته است و با ایده وفای سعی در ایجاد یک فضای سازنده دارد.

اینکه این رویکرد در ابتدا و در طول مسیر با چالش‌های متعددی روبه‌رو است بر کسی پوشیده نیست. از بیرون نیروهای تدریج و تفرقه‌افکنی که منافع‌شان در فاصله زیاد حاکمیت با مردم است و با ایجاد فضای هم‌افزایی و وفای منافع‌شان به خطر افتاده است؛ افراد و گروه‌هایی که نه دغدغه دین دارند و نه دغدغه سرزمین. از سوی دیگر، از درون سهم‌خواهی بی‌امان نیروهای سهم‌خواه و فشار استخوان‌خردکن آنها. کسانی که از پس اداره یک ستاد حتی به درستی بر نیامده‌اند و امروز حکمرانی بر سرنوشت مردم را سهم و با مغالطه حتی حق خود می‌دانند همه‌همه بر دشواری این راه می‌افزاید.

با نگاهی به کابینه دکتر پزشکیان اولین نکته‌ای که به چشم می‌آید، حضور نیروهای کارشناس در وزارتخانه‌های تخصصی و حضور نیروهای آگاه از مسائل حکمرانی و مورد وثوق حاکمیت در وزارتخانه‌های حساس است. ترکیبی که از دیدگاه ملی امیدوارکننده است، چراکه نشان از تعهد به راهبرد وفای در چینه کابینه دارد. حفظ امنیت و صیانت از سرزمین در وزارتخانه‌های امنیتی و همچنین تخصص‌گرایی در وزارتخانه‌های تخصصی، آن هم در هماهنگی سازنده با مقام معظم رهبری و تدبیر ایشان می‌تواند نویدبخش خروج از انسداد سیاسی موجود و شروع فرآیند حل مسائل و بحران‌های کشور باشد. همچنین صورت‌بندی سیاسی این کابینه به گونه‌ای است که علاوه بر فراوانی بودن و مرزبندی با تدریج‌ها در هر دو سو، ارتباط بخش عمل‌گرا و ملی‌گرای جامعه (بخوانید نیروهای اجتماعی سیاسی غیررادیکال) با دولت برقرار است. ارتباطی امیدوارکننده با جامعه که در ادامه مسیر می‌تواند بسیار سازنده باشد.



نزوم استانداران زن

فاطمه راکمی: در آستانه انتخاب استانداران دولت چهاردهم، باید به این پرسش اساسی پرداخته شود که چرا زنان هرگز در شمایل یک استاندار حضور نداشته‌اند؟ هرچند در دولت دکتر پزشکیان اتفاقات مثبتی برای مدیریت زنان رخ داده و چندین زن در عالی‌ترین سطوح اجرایی حضور دارند، اما با توجه به محرومیت تاریخی زنان در ساختار مدیریتی کشور باید توجه ویژه‌ای به حضور زنان به‌عنوان استانداران شود.



ایران، نظام و مردم

سیدمحمدعلی ابطحی: وفای یک امر اصلاحی است و مجموعه کسانی که به ایران، جمهوری اسلامی و قانون اساسی اعتقاد دارند، می‌توانند موضوع و محتوای وفای را شکل دهند. مهم‌ترین کاری که ذیل این مفهوم می‌تواند انجام شود، آن است که فضا را برای تدریجاً و رادیکال‌ها تنگ کرده و مدیریت، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را برای افرادی که دل‌شان برای ایران، نظام و مردم می‌سوزد، فراهم کند.



حل مساله فیلترینگ

عباس عبیدی: آقای پزشکیان وقت خود را برای امور دیگر تلف نکنید؛ در اولین فرصت و در چارچوب وفای ملی و عقلانیت مساله فیلترینگ را با کلیت ساختار سیاسی حل کنید. اگر حل این مساله مصداق وفای و عقلانیت نباشد، دیگر هیچ چیز دیگری مصداق آن نمی‌تواند باشد. سرمایه اجتماعی حکومت و دولت را افزایش دهید، پیش از آنکه دنبال جذب ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی باشید.

تقریباً ائتلافی!

نگاهی به ترکیب کلی کابینه «وفاق ملی»



محمد معین جوادی

عضو شورای سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی ایران

کابینه چهاردهم را می‌توان به معنای تقریبی کلمه کابینه‌ای «ائتلافی» نامید. تقریبی از آن‌رو که در اکثریت کشورهای که ساختار حزبی دارند، زمانی که یک حزب به‌تنهایی نمی‌تواند اکثریت کرسی‌های پارلمان را تصاحب کند و دولت را تشکیل بدهد با احزاب دیگر دست به ائتلاف می‌زند و به ازای سهم آن حزب یک حزب یا احزاب دیگر در کابینه می‌تواند دولت مدنظر خودش را تشکیل دهد. در ایران اما به دلیل فقدان ساختار منسجم حزبی عموماً ائتلاف‌ها، نه براساس سازوکاری مدون و اصولی بلکه عموماً طبق رایزنی و مذاکره مشخص می‌شود. مسعود پزشکیان نیز به دلیل وجود مجلسی که در اختیار جریان اصول‌گراست عملاً از معرفی ایده‌آل‌های خود باز ماند و آنچه‌آن که خود نیز بر آن تصریح کرد برای رسیدن به وحدت، عقب‌نشینی‌هایی در رابطه با هیات وزیران انجام داد. طیف حامی مسعود پزشکیان پس از اعلام کابینه وی، بازخورد مثبتی از خود بروز نداد

و تا حدودی دچار یأس و سرخوردگی شد. توقع افرادی که به پزشکیان رای داده بودند، کابینه‌ای متفاوت و پیشروتر از آن چیزی بود که اکنون معرفی شده‌اند. هرچند وجود چهره‌هایی چون محمدرضا ظفرقندی، احمد میدری، سیدعباس عراقچی، عبدالناصر همتی و سیدرضا صالحی امیری که به نوعی نزدیک به طیف اصلاحات و اعتدالی محسوب می‌شوند از نقاط قوت کابینه پزشکیان بود؛ اما انتقاد اصلی حامیان رئیس‌جمهور بیشتر



اطلاعات: وزارت اطلاعات به‌نوعی نماد هماهنگی با سطوح عالی قدرت است و هیچ رئیس‌جمهوری در انتخاب وزیر آن اختیار مطلق را نداشته و برای وفاقی که پزشکیان شعار آن را می‌دهد، بسیار مهم است که فردی مورد اجماع در رأس این وزارتخانه قرار گیرد. البته نباید فراموش کرد که اسماعیل خطیب کسی بود که جبهه پایداری سال ۱۴۰۰ طی نامه‌ای به مرحوم سیدابراهیم رئیسی از وی خواست که در رابطه

با انتخاب وی تجدیدنظر کند. در روز رای اعتماد کابینه سیزدهم نیز هم مخالفان خطیب، حسین جلالی رئیس دفتر آیت‌الله محمدتقی مصباح‌زیدی و حسین میرزایی نماینده طیف پایداری از اصفهان بودند.

۳ ورزش و جوانان: تقریباً می‌توان گفت که بر سر این وزارتخانه معامله صورت گرفته و عملاً سهم رئیس مجلس از کابینه داده شده است. اینکه احمد دینامالی فردی رادیکال نیست کاملاً مشخص است اما انتظار ستاد پزشکیان درباره این وزارتخانه چیز دیگری بود و به‌نوعی می‌توان گفت، این وزارت وجه‌المصلحت‌های برای رای اعتماد کل کابینه شده است. مهم‌ترین سمت در این وزارتخانه برای اصلاح‌طلبان، معاونت جوانان است که باید منتظر ماند و دید به چه کسی اعتماد می‌شود. در صورتی که به یکی از اعضای ارشد ستاد دکتر پزشکیان این معاونت پیشنهاد بشود، رضایت حامیان پزشکیان هم در رابطه با وزیر ورزش جلب خواهد شد.

۴ کشور: و اما کشور! شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین خطرپذیری مسعود پزشکیان با یک اختلاف نجومی در چینه کابینه همین انتخاب بود. اصلاح‌طلبان که در رابطه با وزارت کشور دولت روحانی از سپردن کلید این وزارتخانه به یک چهره عملاً اصولگرا خاطره خوشی نداشتند نسبت به انتخاب سردار اسکندر مومنی برای این سمت به‌شدت معترض و نگران هستند. خاصه اینکه مومنی علاوه بر نزدیکی به طیف اصول‌گرا، یک فرد نظامی نیز محسوب می‌شود و سابقه آنچه‌آنچه هم در استانداری‌ها و خود وزارت کشور ندارد. به نظر می‌رسد، بخش عمده‌ای از نظرات منفی نسبت به کابینه پزشکیان به خاطر همین وزارتخانه بوده است.

در بخش معاونت‌ها نیز چهره‌های با تجربه و علمی همچون محمدرضا عارف و حمید پورمحمدی به همراه گزینه‌های اصلاح‌طلب همچون زهرا بهروزآذر و الیاس حضرتی را می‌توان از نقاط عطف کابینه دکتر پزشکیان نامید. با تمامی این اوصاف باید منتظر ماند و دید کابینه چهاردهم در شرایط واقعاً سخت فعلی در ایران چه اقداماتی برای حل مشکلات و بازگشت امید به جامعه می‌تواند انجام دهد؟!

توجه به جوانان

مروری بر اعضا و ارکان دولت چهاردهم



شاهرخ شیشه‌باران

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران در استان اصفهان

کابینه دکتر مسعود پزشکیان این روزها مورد تحلیل همه سیاستمداران داخلی و بین‌المللی است. هر کابینه‌ای که تشکیل می‌شود دارای نقاط قوت و ضعف است، اما به اعتقاد بنده و با توجه به شعارهای انتخاباتی مسعود پزشکیان در ایام انتخابات مبنی بر استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود با هر نوع سلیقه و گرایش سیاسی، این کابینه برای مقطع کنونی قابل دفاع است. هرچند نقاط ضعفی هم وجود دارد که می‌توان به سن کابینه اشاره کرد. مضاف بر اینکه، استفاده از جوانان می‌توانست بازوی اجرایی کشور را قوی‌تر و پرنان‌تر کند. امید است این موضوع هم در ادامه و زمانی که دولت مسعود پزشکیان به صورت کامل شکل پیدا کرد، جوانان به بدنه دولت اضافه شوند. درباره انتصابات دکتر پزشکیان در بخش‌هایی از دولت مثل معاونت‌ها، نقاط قوت فراوانی وجود دارد. از جمله انتصاب زنان و انتخاب افرادی از اهل تسنن در بدنه دولت است. کمی که تا‌مل کند، خواهید فهمید چه تحول عظیمی در

سیستم اجرایی کشور به وجود آمده است. برای مثال، انتصاب فاطمه مهاجرانی به سمت سخنگوی دولت که برای اولین بار است که یک زن در این سمت در دولت جمهوری اسلامی ایران منصوب شده است، جای خرسندی است بنابراین به اعتقاد من این نشان از درایت دکتر پزشکیان و قدرت ایشان در مقابله با سهم‌خواهی گروه‌های مختلف است. شاید اگر کسی دیگر جای مسعود پزشکیان بود، جلوی فشار این افراد سر خم کرده بود و تن به خواسته سهم‌خواهان بی‌شمار دولت داده بود. این درایت دکتر مسعود پزشکیان در روز رای اعتماد به وزرای پیشنهادی هم کاملاً مشهود بود، با اعتمادبه‌نفس همیشگی و قدرتش به واسطه رای مردم و سادگی کلامش و صداقت در چهره‌اش، ایستادگی کرد و تمامی وزرای پیشنهادی‌اش را به وزارتخانه‌ها فرستاد. امید است همانطور که شعار دولت «وفاق ملی» است، همگی دست‌در‌دست هم به دولت جهت تحقق این شعار کمک کنیم و نگذاریم فرصت‌طلبان به جای وفای، نفاق ایجاد کنند. اما لازم به ذکر است، نکاتی را هم پیرامون انتخاب استانداران بیان کنم. با توجه به اینکه هم خود مسعود پزشکیان و هم وزیر کشور عجله‌ای برای انتخاب استانداران ندارند



نابودی تالابها

تالابهای انزلی، بامدژ، هامون، جازموریان، طشک، بختگان، گاوخونی، مهارلو، حوض سلطان شیمبار و دریاچه نمک خشک شدند



گروه اجتماعی: ۹ تالاب مهم در ایران گرمای مرداد امسال را تاب نیاوردند و به طور کامل خشک شدند. گزارش سازمان هواشناسی از رکورد شکنی دمای هوا در بسیاری از نقاط ایران از جمله مناطق، شرق، جنوب شرق و مرکزی ایران طی فصل تابستان خبر داد.

تداوم گرما نیز براساس آمار موسسه اقلیمی کوپرنیک در ایران بی سابقه بوده و مردادماه ۱۴۰۳ گرم ترین مرداد نیم قرن اخیر است. پیشتر رئیس مدیریت بحران هواشناسی، احد وظیفه گفته بود که رکوردهای بی سابقه گرما در جهان ثبت می شود اما «سرعت گرمایش جهانی در ایران ۲ برابر متوسط دنیاست». تالابهای انزلی، بامدژ، هامون، جازموریان، طشک، بختگان، گاوخونی، مهارلو، حوض سلطان، شیمبار و دریاچه نمک ۹ تالابی هستند که در تابستان امسال خشک شدند. سامانه های جهانی هواشناسی هم از پاییز خشک در گستره ایران خبر می دهند.

حقابه محیط زیستی منبع جان بخشی به تالابهای ایران است اما کمبود باران و افزایش استفاده از مایع حیات سبب شده تا این حقبه به طرز چشم گیری کاهش پیدا کنند.

تالابها اکوسیستم های ارزشمندی هستند که اول تا آخر الفبای بقای آنها به آب بستگی دارد، بنابراین اگر سالی کم بارش باشد قطعاً روی این حوضه های آبی تاثیر منفی خواهد داشت، یا سالی مانند تابستان امسال که رکود گرما را در تاریخ کشور جا به جا کرد و به دنبال آن مصرف آب و تبخیر افزایش یافت که قطعاً عواقب آن دامن تالابها را خواهد گرفت و در هر تالابی که مستقیماً آب هم باقی مانده بود تبخیر می شود و به هوا می رود. این تازه اول ماجراست، چون آن پهنه وسیع که زمانی منبع بزرگی از حجم زیادی آب بود اکنون دیگر به کانون گردوغبار تبدیل می شود.

زمانی نه چندان دور در اطراف تالابها، با هر نسیم ملایمی هوایی خنک و لطیف به اطراف پراکنده می شد، دل را نوازش می داد، چهره را خندان می کرد و تازگی و زندگی را به درون انسان می کشید، اما حالا دیگر با هر نسیمی این گردوغبار است که به هوا بلند می شود و موجب در هم کشیدن چهره و سوزش چشم و دل می شود.

آمارها نشان می دهد سالانه ۲ میلیارد تن گردوغبار از انواع کانون های گردوغبار به هوا بلند می شود که خسارتی حدود ۱۳ میلیارد دلار خسارت را به کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا وارد می کند، در این میان حدود ۳۵ میلیون هکتار کانون گردوغبار داخلی و تا تاریخ ۴ مهرماه ۱۴۰۳ در این فراخوان شرکت کنند. متقاضیان می توانند سوالات و ابهامات خود را از طریق ایمیل tamin@mci.ir یا شماره تماس ۰۲۱-۸۱۷۱۲۵۸۱ مطرح کنند.

به سمت ایران روانه می شود.

در این میان اما سهم تالابها در بیروز گردوغبار قابل اغماض است، مطالعاتی که سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ انجام شد نشان می داد که ۴۳ درصد از تالابهای کشور از سال ۱۳۹۷ به کانون های گردوغبار تبدیل شدند اما متخصص مدیریت زیست بوم های تالابی معتقد است که این آمار به روز نیست و اکنون می توان گفت که ۷۰ درصد تالابهای کشور ظرفیت تبدیل شدن به کانون های گردوغبار را دارند.

افت ۱۴ درصدی نمره ایران در از دست دادن تالابها
بر این اساس، ناصر طالب بیدختی، کارشناس محیط زیست در این باره به «سازندگی» می گوید: ایران در شاخص «از دست دادن تالابها» با نمره ۴۵.۴ در رتبه جهانی ۹۸ قرار گرفته و نسبت به ۱۰ سال گذشته نمره کشور ۱۴.۱ درصد افت داشته است. درک اهمیت حیاتی تالابها منجر به انعقاد کنوانسیون رامسر در سال ۱۹۷۱ شد و طی آن ۱۵۶ کشور امضاکننده این کنوانسیون تعهد دادند که خصوصیات اکولوژیکی آنها را حفظ و وضعیت تالابهای ثبت شده خود را به صورت دوره ای گزارش کنند. در این کنوانسیون لیستی به نام مونترو وجود دارد که شامل اسامی تالابهای در معرض خطر انقراض است که ایران با پنج سایت تالابی در آستانه انقراض به همراه یونان در صدر این لیست قرار دارد.

به گفته عضو وابسته گروه مهندسی فرهنگستان علوم کشور؛ تالاب انزلی استان گیلان از سال ۱۹۹۳، انتهای جنوبی هامون یوزک استان سیستان و بلوچستان از سال ۱۹۹۰، هامون صابری و هامون هیرمند استان سیستان و بلوچستان از سال ۱۹۹۰، نی ریز و کمیجان استان فارس از سال ۱۹۹۰، شادگان، خورالامیه و خورموسی استان خوزستان از سال ۱۹۹۳ تالابهای وارد شده به لیست سیاه کنوانسیون رامسر است. او اضافه می کند: با توجه به تلاش های صورت گرفته از سوی سازمان حفاظت محیط زیست، تالابهای آلاگل، آلاگل در استان گلستان که در لیست سیاه قرار داشتند، احیا شده و از این لیست خارج شدند و تالابهای شورگل، یادگارلو و درگه سنگی در استان آذربایجان غربی نیز همزمان با چهلمین سالگرد کنوانسیون رامسر از این لیست خارج می شوند.

بیدختی، ماده ۱۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب سال ۱۳۵۳، بند الف ماده ۶۷ قانون برنامه چهارم مصوب سال ۱۳۸۳، قانون برنامه پنجم توسعه کشور مصوب سال ۱۳۸۹، مصوبه هیات دولت برای نحوه حفاظت، احیا و مدیریت تالابهای کشور، قانون جامع حفاظت، احیا

و مدیریت تالابهای کشور مصوب ۱۳۹۶ را از جمله اسناد بالادستی برای حفاظت از تالابهای کشور می داند و اضافه می کند: مجموعه قوانین موجود از جامعیت و انسجام برای حفاظت همه جانبه از تالابها برخوردار نیستند و قوانین و آیین نامه ها با پراکندگی بسیاری مواجه هستند.

او با تاکید بر ضرورت توجه به تامین حقبه ها و حفاظت از تالابها در برابر آلودگی صنعتی و معدنی، تاکید می کند: خشکسالی های پایبی، بهره گیری بی رویه کشاورزان از کناره رودها و چشمه هایی که به تالابها می پیوندند، آبیگری سدهای احداث شده بر روی شاخه های اصلی و فرعی تالابها و عدم تامین حقبه زیست محیطی و بالا بودن میزان رسوبات جریانات آب های سطحی از جمله دلایل رخداد بحران زیست محیطی تالابهاست که در سطوح ملی و بین المللی کشور را با تهدیدات جدی مواجه کرده است.

او با اشاره به تخلیه فاضلاب های می گوید: شهری، صنعتی و ورود زه آب های ناشی از فعالیت های کشاورزی بدون تصفیه مناسب، تغییر کاربری اراضی در سطح حوضه آبریز، حاشیه و درون تالابها، دفع پسماندها و ضایعات در تالابها و معرفی و پرورش گونه های غیربومی از دیگر عوامل بحران تالابهای کشور است.

براساس گزارش سال ۲۰۲۰ شاخص های EPI در حوزه آب، ایران در شاخص «از دست دادن تالابها» با نمره ۴۵.۴ در رتبه جهانی ۹۸ قرار گرفته و نسبت به ۱۰ سال گذشته نمره کشور ۱۴.۱ درصد افت داشته است، در میان شاخص هایی که رتبه نهایی را تعیین می کنند، بدترین عملکرد به لحاظ مقایسه با ۱۰ سال قبل مربوط به همین شاخص از دست دادن تالابها بوده است.

به باور کارشناسان محیط زیستی؛ خشکی این تالاب نه تنها بر تنوع زیستی گیاهی و جانوری، به ویژه پرندگان مهاجر به طور جدی اثرگذار است، بلکه حیات بسیاری از دوزیستان این زیست بوم را نیز تهدید می کند و خشک شدن این تالاب می تواند آن را به یکی از بسترهای خطرناک تولید گردوغبارهای سمی و نمکی در شعاع ۵۰۰ کیلومتری در مرکز ایران تبدیل کند، چراکه به نظر می رسد با وجود فرا رسیدن فصل زمستان؛ هنوز خبری از بارش گسترده باران و برف در کشور نیست و طی ورود به چهارمین سال متوالی خشکسالی، وضعیت تالابهایی که حقبه آنها به صورت کامل پرداخت و رهاسازی نشده از هر زمان دیگر شکننده تر است و بی گمان وضعیت امروز تالابها با دخالت و عملکردهای انسانی ارتباط مستقیم دارد.

دیدگاه: یادداشت روز

تحلیلی بر مخالفت با کنسرت از مشهد تا بابل!



علیرضا فلاحتی
فعال سیاسی اصلاح طلب

سالهاست در مشهد کنسرت موسیقی برگزار نمی شود و سالهاست برخی از مخالفان برگزاری کنسرت در مشهد، فضای معنوی و زیارتی این شهر را مهم ترین استدلال خود برای این مخالفت می دانند! این مقدمه را در ذهن خود ذخیره کنید و با من نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر از مشهد در فضای زیارتی اش دور شده و به بابل، شهری در مازندران سفر کنید و به این اعداد دقت کنید! شهرستان بابل در استان مازندران نزدیک به ۲۰ آموزشگاه رسمی موسیقی دارد. با توجه به اینکه برخی اساتید در این آموزشگاهها به صورت مشترک فعالیت می کنند و همچنین با اضافه کردن اساتیدی که به صورت شخصی و خارج از آموزشگاه به تدریس موسیقی می پردازند، می توان گفت، به صورت میانگین نزدیک به ۲۰۰ استاد موسیقی در بابل فعالیت دارند. اگر به صورت میانگین هر استاد ۳۰ هنرجو داشته باشد می توان حدس زد، نزدیک به ۶ هزار نفر در بابل درحال یادگیری یک ساز یا سبکی از خوانندگی هستند. اگر هر کدام از این افراد عضو یک خانواده چهارنفری باشند می توان گفت، در بابل تقریباً ۲۴ هزار نفر هستند که در خانواده شان حداقل یک نفر درحال آموزش موسیقی است و یک ساز در خانه شان یافت می شود! به این تعداد اضافه کنید آدمهایی را که هر روز موسیقی گوش می دهند و دوستدار و شیفته این هنر هستند! به نظر چنین آماری باعث افتخار یک شهر است! حالا به نظر شما در این شهر با این سطح از پتانسیل در سال چند کنسرت موسیقی برگزار می شود؟! پاسخ متأسفانه صفر است! و این درحالی است که بابل ویژگی های زیارتی مشهد را ندارد! اما با نظر من جنس مخالفت در هر دو شهر یکی است! شاید بپرسید میان این همه مشکلات کمرشکن، برگزاری یک کنسرت چه اهمیتی دارد؟ به نظر اگر بخشی از مردم یک شهر بدون اینکه قانع شوند، از یک آزادی و انتخاب محروم شوند! درحالی که در چند کیلومتری شهرشان این محدودیت وجود ندارد ما با پدیده تحقیر مواجهیم! تحقیر می تواند بدترین نوع مواجهه با فرد یا جامعه باشد. تحقیر جامعه یک پدیده کینه افزن و به شدت ضدامنیت است. سر خوردگی تحقیر از فشار اقتصادی نیز سخت تر است و خود فشار اقتصادی به این دلیل که می تواند به تحقیر فرد یا جامعه بینجامد خطرناک است! حتی اگر خط قرمز امنیتی باشد، نباید بگذارید یک جامعه یا بخشی از جامعه احساس تحقیر کند. این خطرناک است و به عنوان کسی که جامعه شناسی خوانده است، نمی توانم این آسیب خاموش را نبینم یا نگویم! حال در نظر بگیرید که کنسرت با اقتصاد نیز گره خورده است و برگزاری یک کنسرت به صورت مستقیم می تواند اگر شما به عنوان یک سرمایه گذار کلان در گوگل نام شهری را سرچ کنید و متوجه شوید این شهر سالانه با چنین رخدادهای مهم فرهنگی در تکاپوست و آزادی های اجتماعی مانعی ندارد، بیشتر برای سرمایه گذاری ترغیب می شوید، یا اینکه متوجه شوید مردم یک منطقه به دلیل ممنوعیت نانوشتته کنسرت در شهرشان مجبورند به شهرهای اطراف بروند؟ آیا سرمایه گذار دارایی اش را به همان شهرهای اطراف نمی برد؟ به نظر من بنیان مخالفت با آزادی های مشروع، خود حق پنداری الزام آور یک اقلیت کوچک است. کسانی که برداشت خود را حق می دانند و در کنار آن بر خود تکلیف می دانند برداشت فکری و تفسیر قانونی خود را بر دیگران تحمیل کنند! بهانه اش را نیز آماده می کنند، کما اینکه دیدید که مشهد و بابل از نظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی با یکدیگر زمین تا آسمان تفاوت دارند، ولی در هر دو جا کنسرت ممنوع است. ولی بازل ممنوعیت برای تکمیل شدن احتیاج به یک تکه دیگری دارد و آن وجود برخی مدیران عافیت طلب در بدنه اجرایی دولت است که حتی خودشان ممکن است موافق آن آزادی باشند، ولی به خاطر حفظ میز، یا ملاحظات دیگر سعی می کنند منفعل عمل کرده و در تحقیر جامعه سهیم شوند. من دست کسانی که مخالف کنسرت بوده و به تماشای آن نمی روند اما به سلیقه دیگران احترام گذاشته و مانع برگزاری آن نمی شوند را می بوسم، ولی اگر کسانی فکر می کنند کنسرت چیز خوبی نیست و معتقدند نباید دیگران هم به تماشای کنسرت بروند باید به اندازه ای استدلال قوی داشته باشند که در آن منطقه بلیت کنسرت فروش نرود و به دلیل نداشتن مخاطب، برگزاری کنسرت امکان پذیر نباشد. نه اینکه برای مثال، بخش مهمی از بلیت کنسرت در شهرهای مازندران را بابلی ها تهیه کنند و شهرشان با اقدامات فراقانونی از کنسرت قانونی بی بهره باشد. اگر در یک شهر فقط یک نفر بخواهد به کنسرت برود و برگزارکننده کنسرت بپذیرد تنها برای همان یک نفر اجرا کند باز هم کسی نمی تواند یا نباید مانع این آزادی مشروع شود. از دولت مسعود پزشکیان انتظار می رود با تعیین مدیرانی شجاع در دفاع از آزادی های مشروع، بازل تحقیر جامعه را تکمیل نکرده و مانع برتری سلیقه بر قانون شود.



فراخوان عمومی تامین کنندگان SFP

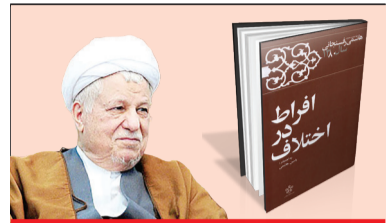
شرکت ارتباطات سیار ایران (همراه اول) به منظور توسعه و بروزرسانی فهرست تامین کنندگان خود در زمینه تامین انواع SFP، اقدام به برگزاری فراخوان عمومی می کند. لذا از تمامی شرکت های فعال در این زمینه دعوت می شود، ضمن مراجعه به پایگاه جامع اطلاع رسانی معاملات همراه اول به نشانی www.tamin.mci.ir، مطابق اسناد مرتبط و تا تاریخ ۴ مهرماه ۱۴۰۳ در این فراخوان شرکت کنند. متقاضیان می توانند سوالات و ابهامات خود را از طریق ایمیل tamin@mci.ir یا شماره تماس ۰۲۱-۸۱۷۱۲۵۸۱ مطرح کنند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرن‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۰۸۸

ادامه سه‌شنبه ۱۹ تیر

انعکاس وسیع اظهارات خاتمی

در رسانه‌ها، اظهارات آقای [سیدمحمد] خاتمی، [رئیس‌جمهور] در جواب نامه آقای [بیژن نامدار] زنگنه، [وزیر نفت] در خصوص اتهام‌های آقای [احمد] جنتی، [دبیر شورای نگهبان] و دیگران به وزارت نفت] در مورد پورسانت‌ها، انعکاس وسیعی داشته و رهبری هم اظهارات آقای جنتی و عکس‌العمل آقای خاتمی و درخواست آقای [مهدی] کروبی، [رئیس مجلس] در مورد دانشجویان زندانی [وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸ کوی دانشگاه تهران] را نیز اشتباه و کار تبلیغاتی می‌داند.

چهارشنبه ۲۰ تیر

همایش نیروهای تخریب در دفاع مقدس

برای افتتاح همایش «نیروهای تخریب در دفاع مقدس» [نخستین گردهمایی رزمندگان تخریب‌چی] به ستاد مشترک سپاه در محل ورزشگاه نوین‌درفتم. چند هزار نفر جمع بودند. آقای رحیم صوفی، [فرمانده سپاه پاسداران] گزارشی داد و خیرمقدم گفت. سپس فیلمی مستند از صحنه‌های عمل تخریب در جنگ را نشان دادند و دکلمه [زینب معصومی] دختر شهیدی را شنیدیم. من هم سخنرانی کردم درباره افتخارات جنگ و نقش مهم تخریب در گشودن معر‌ها برای پیشروی نیروها سپس تلاش‌شان برای پاک‌سازی مناطق آلوده که مجموعاً ۷/۵ میلیون قبضه مین و گلوله و بمب کشف و خنثی شده و در طول جنگ ۸۰۰ معبر به طول ۲۴۰ کیلومتر باز کرده‌اند.

عصر، مولوی عبدالحمید [اسماعیل‌زهی]، از علمای زاهدان همراه جمعی از علما و [آقای باقر گرد] نماینده زاهدان آمدند. برای به‌کارگیری بیشتر اهل سنت در پُست‌های مهم دولتی و نیز انتخاب نماینده ولی‌فقیه برای اهل سنت از خود علمای اهل سنت، استمداد کردند و گفتند، بعد از دولت سازندگی، طرح مهمی در سیستان و بلوچستان شروع نشده و بعضی از همان طرح‌ها هم تا تأخیر مواجه شده است. گفتند به خاطر فتاوی علمای شیعیان ایران و پاکستان و افغانستان در تحریم تریاک، طالبان کشت تریاک را ممنوع کرده‌اند.

در [شهر] برادفورد انگلیس، درگیری نژادپرستان سفیدپوست بومی با مهاجران آسیایی ادامه دارد. بشار اسد، [رئیس‌جمهور سوریه] در آلمان، مواجه با امواج تظاهرات مخالفان شده؛ به بهانه سرکوب آزادی‌خواهان در سوریه اما پشت‌پرده مخالفت‌ها، صهیونیست‌ها قرار دارند.

نیروی انتظامی می‌گوید، قاتل زن‌های فاسد مشهدی را پیدا کرده است؛ گویا تاکنون ۱۷ نفر را کشته است.

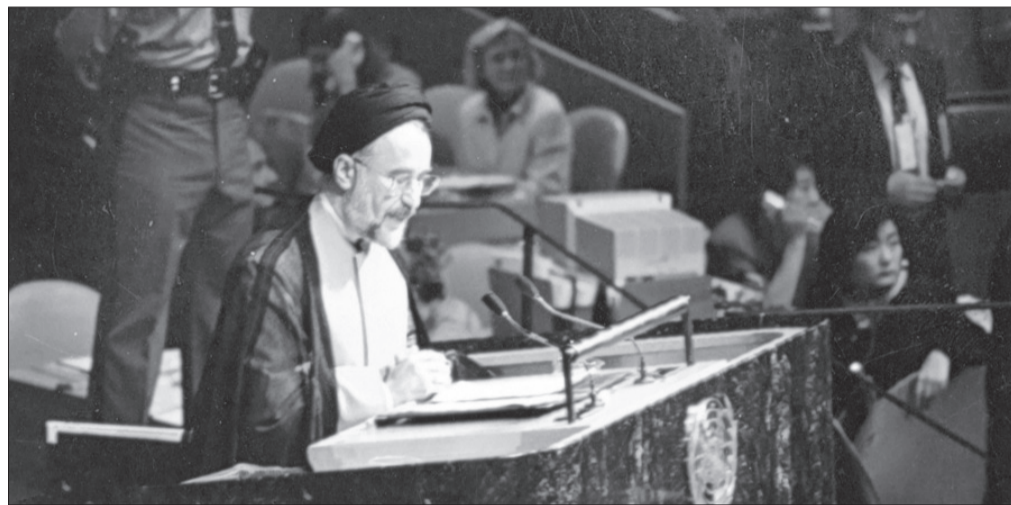
پنج‌شنبه ۲۱ تیر

خواندن فیلمنامه «محاكمه»

در خانه بودم. خواندن فیلمنامه «محاكمه» را تکمیل کردم؛ نکات مثبت زیاد و شیطنت‌هایی هم دارد و نیز کتاب [مویه‌های غریبانه] [خاطرات] [اسد] مستوفی» درباره فراریان ایرانی به شوروی پس از سقوط دولت [سیدجعفر] پیشه‌واری را خواندم. وضع رقت‌باری برای آردوگاه‌های کار شوروی و فراریان ایرانی، ترسیم کرده است.

گفت‌وگو به جای جنگ

به مناسبت سالروز نام‌گذاری روزی برای تمدن‌های جهان



نیره خادمی گروه تاریخ

و... اینکه تمام اعضا متقبل شده‌اند در روابط خارجی خود علیه استقلال هیچ کشوری به زور یا تهدید زور متوسل نشوند. محمد خاتمی نیز در این باره گفته بود: «مواجهه مستقیم میان انسان‌ها مقدمه گفت‌وگو است و گفت‌وگو شرط لازم برای رسیدن به صلح است. برای تحقق این پیشنهاد ناچار باید تحولی اساسی در اخلاق سیاسی به وجود آید. علاوه بر این حکومت‌هایی که با تکیه بر قدرت اقتصادی، مادی و نظامی دچار تکبر شده‌اند باید به زبان گفت‌وگو تن در دهند».

اما این ایده در ایران مورد تأیید و حمایت قرار نگرفت و محمد خاتمی هم اعلام کرد که پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری خود دلایل آن را اعلام خواهد کرد. او بعدها در گفت‌وگویی که با سایت باران داشت به بزرگ‌ترین موانع تحقق آن اشاره کرد: «جنگ‌طلبان چه در این سوی دنیا و چه آن سوی دنیا با نظریه گفت‌وگو تمدن‌ها مخالف هستند، تدروهای دنیای اسلام که نمونه آن را در ایران داریم، معتقدند که گفت‌وگو تمدن‌ها ممکن نیست و باید جنگ کنیم و می‌گویند، آنها کفار هستند و باید با آنها بجنگیم. از آن سوی دنیا نیز جنگ‌طلبان می‌گویند اینها تروریست هستند و باید با آنها جنگید. جنگ‌طلبان یک منطق دارند؛ چه خود را پشت عنوان مقدس و دینی پنهان کنند و چه چهره حقوق بشری و انسانی به خود بگیرند. اما من معتقدم وجدان بشری، نظریه گفت‌وگو تمدن‌ها را قبول دارد و در لایه‌های زیرین وجدان جامعه بشری مسأله گفت‌وگو تمدن‌ها، تلاش‌های خود را برای دستیابی به صلح پیگیری می‌کند».

این موضوع اما همچنان از سوی برخی مورد نقد است، آن هم در شرایطی که سیاستمداران ما در جناح‌های مخالف یکدیگر هنوز هم گفت‌وگو بدون غوغاسالاری را در دستور کار خود ندارند. سیداحمد علم‌الهدی، نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی به طور کلی یکی از مخالفان نظریه گفت‌وگو تمدن‌هاست. او سال گذشته در افتتاحیه دوره بصیرتی جهاد تبیین گفت: «سوره کافرون گفت‌وگویی تمدن‌ها را رد می‌کند. در یک دوره‌ای رئیس‌جمهوری منتخب مردم ایران شد که معنای جنگ تمدن‌ها را نفهمیده بود و از گفت‌وگو تمدن‌ها صحبت کرد. البته اینها خان به نظام و انقلاب نبودند و فقط درصد اصلاح بودند اما مشکل اصلی این بود که اینان به دنبال تفاهم با استکباری بودند که با همه وجهه ابرقدرتی خود بیش از چهار دهه از اسلام سبیلی خورده بود. دنیا تبدیل به دهکده جهانی شده و هر قدرتی در دنیا ادعای مدیریت جهانی دارد، درحالی که اسلام حاکمیت جهان را در اختیار قدرت نماینده خدا می‌داند و این چالش بزرگ ما با جهان‌خواران است. مسأله فلسطین هم خط

مقدم این تقابل است. اکنون دنیا به سمت مدیریت جهانی نماینده خدا پیش می‌رود و در این میدان ما مبارز هستیم و زمینه ظهور حضرت با کشته شدن و قربانی شدن فراهم می‌شود».

چرا بی‌ناکامی در خارج از ایران

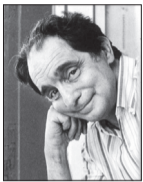
این ایده می‌توانست، گفت‌وگو را جایگزین سلاح و خشونت‌های طالبانی و القاعده‌ای کند اما به جای آن ماجرای ۱۱ سپتامبر، اشغال افغانستان و عراق رخ داد و این موضوع در کنار جنگ قدرت داخلی باعث ناکام ماندن آن شد. عدم توجه از سوی گروه‌های داخل کشور به گفت‌وگو تمدن‌ها که ماحصل درگیری‌های جناحی نیز بود، زمینه را برای در حاشیه ماندن آن در دنیای خارج را مهیاتر کرد. نبود رابطه میان آمریکا و ایران به‌عنوان سد بزرگی در برابر تحقق گفت‌وگو میان تمدن‌ها عمل کرد ضمن اینکه برخی تأکید ایران در این بحث را بیشتر در حوزه ادیان و مذهب ارزیابی کردند و از نظرشان وجه سیاسی آن دور از دسترس بود. ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ درحالی که جهان برای خیز برداشتن جهت قوام بخشیدن به ایده گفت‌وگویی تمدن‌ها قدم برمی‌داشت، یک حمله تروریستی از سوی القاعده به برج‌های دوقلو تمام نگاه‌ها را به گروه‌های تحت پرچم اسلام جلب کرد. اتفاقی که برای همیشه، لباس جنبش‌های تروریستی را بر تن جهان اسلام برد و منجر به ایجاد دید منفی نوحافظه‌کاران آمریکا و سایر کشورهای جهان به این ایده از سوی ایران به‌عنوان مهم‌ترین کشور اسلامی جهان شد. گفت‌وگو تمدن‌ها می‌توانست سرنوشت متفاوتی برای بشریت رقم بزند اما حتی در ایران و بعد در جهان هم به انزوای رفت. اما نگاه دیگری هم در این باره وجود دارد آن هم وضعیت تسلیحاتی نظامی در جهان است. سیدجواد میری، یکی از اعضای هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این باره معتقد است که در جهانی مملو از سلاح‌های هسته‌ای، جهان عاری از خشونت محقق نمی‌شود. «چند سال پیش روحانی، رئیس‌جمهوری ایران موضوع جهان عاری از خشونت را مطرح کرد. وضعیت عراق و یمن و مناطق دیگر به دلیل حمله داعش در ناامنی بود. در دولت خاتمی هم ایده گفت‌وگو تمدن‌ها مطرح شد که در همان زمان اشغال عراق و افغانستان را داشتیم». گفت‌وگو تمدن‌ها، توری نبود که طیف جنگ‌طلب جهان آن را بپذیرد، همان‌طور که ایده جهان عاری از خشونت دلخواه آنان نبود مضاف بر اینکه گردش مالی بالای فروش تسلیحات نظامی و جنگی در جهان به‌عنوان مانع بزرگی در این باره عمل می‌کند و مردم جهان، قربانی خشونت حکومت‌های قدرت‌طلب می‌شوند.

تقویم

نویسنده‌ای

از سرزمین چه‌گوارا و کاسترو

حدود چهار دهه از مرگ ایتالو کالوینو می‌گذرد



ایتالو کالوینو، نویسنده ایتالیایی قرن بیستم زاده کویاست؛ سرزمینی که یادآور افسردگی نظیر چه‌گوارا و کاسترو است. او در سال‌های آخر دهه ۴۰

میلادی به دنیا آمده بود و ۱۹ سپتامبر سال ۱۹۸۵ درحالی که هنوز ۶۱ سال داشت، چشم از جهان بست اما آثار مهمی چون «آقای پالومار»، «شب‌های زمستان مسافری»، «مه دود»، «یک روز ناظر انتخاباتی»، «مورچه آرزوتینی» و «بارون درخت‌نشین» را بر جای گذاشت. او در زمان حیات خود به‌عنوان مشاهدگری فعال به ایران سفر کرده و یزد، شیراز، تخت‌جمشید و اصفهان را از نزدیک دیده بود تا فرهنگ ایرانی را کشف کند. در این باره نوشته بود: «آیا من برای جمع‌آوری پژوهشی از ریشه‌های اسطوره‌ای کلمه است که تا به اینجا آمده‌ام یا برای دیدن این‌س آمده‌ام که آیا چیزی آتشی را که از دوران کوروش، داریوش و خشایارشا بزرگ می‌سوزد از دیگر آتش‌ها متمایز می‌کند. آتشی شعله‌ور از تسلسل بی‌وقفه کنده‌هایی که هرگز نگذاشته‌اند خاموش شود». نویسنده خوش‌شانسی هم در ایران بود که آثارش توسط مترجمانی چون لیلی گلستان، شهریار وقفی‌پور، آریتا همپارتیان، سمانه‌سادات افسری، ترانه پلدا، محمدرضا فرزاد، رضا قیصریه، اعظم رسولی، مرژان مهران، موگه رازانی، مهدی سبحانی، پرویز شهیدی، میلاد ذکریا، محسن ابراهیم و چند تن ترجمه شد. او به هیچ یک از مکاتب ادبی یا جریان‌های فلسفی متمایل نبود و همین رویکرد بود که باعث موفقیت آثارش در خارج از مرزهای ایتالیا شد و در اندازه یک نویسنده جهانی شهرت یافت. او در «درس‌های هاروارد» - که به دلیل مرگ زود هنگامش هرگز ارائه نشدند - به بیان پنج معیار اساسی یا به عبارتی نوعی «قواعد کار» یک نویسنده می‌پردازد: سبکی، چالاکي، درستی، مرئی بودن و کثرت. قواعدی که خود او همواره سعی داشت با صحت و دقت خاص به کار ببرد. آنتونیا شرکا دربار او می‌گوید: «دو گرایش اصلی کالوینو - که دوره اول ادبیات او را رقم می‌زند - از همان اولین اثرش کوره راه‌های عنکبوت آشکار است: واقع‌گرایی و خیال. او در کوره راه‌های عنکبوت (۱۹۴۷) در بستری نورنالیستی به شرح

یک مبارزه پارتیزانی می‌پردازد که ملهم از تجربه شخصی خودش است. گو اینکه کتاب در سال‌های اولیه پس از جنگ دوم جهانی نوشته شده و ضرورت جنبه اجتماعی به این تجربه فردی و عطش مردم به ایجاد تغییراتی اساسی و عدالت‌خواهانه در ایتالیا در جای جای رمان نمود دارد اما کالوینو - چنان‌که در مقدمه‌های ۱۷ سال بعد به کتاب می‌افزاید اشاره می‌کند - ایا دارد از اینکه وجه‌های اسطوره‌ای و یا شکوه به جنبش مقاومت ببخشد. کم‌اینکه اعضای گروه اصلی پارتیزان در رمان کسانی نیستند جز یک مشت آدم حاشیه‌ای و شرور که کالوینو به واسطه آنها نشان می‌دهد. کسانی هم که بدون انگیزه‌های روشن و آرمان‌گرایانه وارد این مبارزه مردمی علیه فاشیسم شده بودند، کمتر از دیگر پارتیزان‌های آگاه و مبارز در جست‌وجوی رستگاری بشری نبودند و همین انگیزش قوی می‌توانست، اتحاد آنها را به یک نیروی فصال‌تاریخی بدل کند». کالوینو با انتخاب خود به اینکه ادبیات را به سیاست تقلیل ندهد و به جریان تبلیغاتی غالب در آن دوران تن اعلام کرد و آنچه او را از استانداردهای نورنالیستی مرسوم دور می‌کند این است که اثر او با اینکه شخصیت‌ها و فضاهای کارگری و متعلق به اقلات پایین جامعه را دارد، به هیچ عنوان لحن مستند و ناتورالیستی به خود نمی‌گیرد و برعکس حال‌وهوایی تخیلی و قصه مانند دارد.